

شناسایی تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران با رویکرد دیمتلفازی

علی حسنونند^{۱*}، نیلوفر علی حسینی فرد^۲، محسن عارف نژاد^۳

۱- نویسنده مسئول*، گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: hasanvand.al@lu.ac.ir

۲- گروه اقتصاد دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: niloo.alihosseini@yahoo.com

۳- گروه مدیریت دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران. رایانامه: arefnezhad.m@lu.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخچه مقاله:</p> <p>دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۹</p> <p>پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۱۶</p> <p>انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۶</p> <p>کلید واژه‌ها: تورم، انتظارات تورمی؛ دیمتلفازی</p>	<p>هدف پژوهش: هدف این پژوهش شناسایی عوامل اصلی تأثیرگذار و تأثیرپذیر در شکل‌گیری و تشدید انتظارات تورمی در ایران است.</p> <p>روش پژوهش: این مطالعه از منظر هدف در زمره پژوهش‌های کاربردی، از لحاظ ماهیت و روش، توصیفی-پیمایشی و به لحاظ رویکرد از نوع مطالعات آمیخته با رویکرد کمی و کیفی است. جامعه آماری متشکل از ۱۷ نفر از خبرگان، مدیران اجرایی و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌هاست که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های حضوری گردآوری و اعتبارسنجی آن‌ها با استفاده از شاخص‌های روایی نظری و محتوایی صورت گرفته است. در بخش کمی، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای تدوین شده بوده است که پس از شناسایی مؤلفه‌های کلیدی و انجام کدگذاری در قالب ماتریس مقایسات زوجی در اختیار خبرگان قرار گرفته و میزان تأثیر متغیرهای ردیف بر متغیرهای ستون را تعیین کرده است.</p> <p>یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که عواملی نظیر بی‌اعتمادی عمومی به سیاست‌های اعلامی دولت، وقوع شوک‌های اجتماعی و سیاسی و تأثیرپذیری لایه‌های مختلف جامعه از رسانه‌ها و اخبار، از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری انتظارات تورمی محسوب می‌شوند. همچنین، نوسانات حجم نقدینگی، عدم استقلال بانک مرکزی و تنش در روابط بین‌المللی از جمله عوامل تأثیرپذیر در این زمینه قلمداد می‌شوند.</p> <p>نتیجه‌گیری: در یک جمع‌بندی با استفاده از روش دیمتلفازی نشان داده شد که عواملی چون عدم اعتماد مردم به سیاست‌های اعلامی دولت، عدم نگهداری سپرده‌های بانکی توسط مردم، شکل‌گیری صف در دریافت وام از بانک‌ها، تأخیر در عرضه و فروش محصولات از سوی بنگاه‌ها، فشار برای افزایش حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار، تأثیرپذیری اقشار مختلف جامعه از رسانه و اخبار، همبستگی بین بازارهای متعدد، بروز شوک‌های اجتماعی و سیاسی و افزایش دسترسی عمومی به شبکه‌های اجتماعی از تأثیرگذارترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی و عدم شفافیت مالی دولت، تصمیمات شتابزده دولتی در خصوص نرخ ارز و ... به عنوان تأثیرپذیرترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی می‌باشند.</p>

استناد: حسنونند، ع. علی حسینی فرد، ن. عارف‌نژاد، م. (۱۴۰۵). شناسایی تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران با رویکرد دیمتلفازی، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ۱۱۴(۱)، ۲۰۶-۱۷۶. تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به نشریه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز می‌باشد.

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY: 4 است.



مقدمه

تورم در اقتصاد ایران پیامد مجموعه‌ای از عوامل و شرایط مختلف است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، انتظارات تورمی محسوب می‌شود. در فضای واقعی اقتصاد، عاملان اقتصادی برداشت‌ها و انتظارات متفاوتی نسبت به نرخ تورم آتی دارند. به علاوه، این انتظارات در خصوص رفتار آینده متغیرهای اقتصادی می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر عملکرد همان متغیرها داشته باشند؛ از این رو، بررسی نحوه شکل‌گیری انتظارات در میان فعالان اقتصادی از اهمیت بسزایی برخوردار است. به بیان ساده‌تر، تورم انتظاری، بازتابی از پیش‌بینی عمومی در مورد افزایش قیمت‌ها در آینده است. مطالعات مختلف نشان می‌دهد مصرف‌کنندگان در پیش‌بینی قیمت‌ها عمدتاً به روندهای گذشته تکیه دارند و واکنش‌های روانی در این زمینه، نه علت اصلی تورم بلکه عاملی برای تشدید آن محسوب می‌شوند. از آنجا که انتظارات، نقشی کلیدی در شکل‌گیری نرخ تورم ایفا می‌کنند، همواره رابطه میان نرخ تورم جاری و نرخ تورم انتظاری در ادبیات اقتصادی ایران مورد توجه قرار گرفته است (هرورانی و همکاران، ۱۳۹۹). انتظارات تورمی نه‌تنها در بروز تورم اثرگذارند، بلکه در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارند؛ چرا که تصمیم‌گیری در حوزه‌هایی همچون مصرف، پس‌انداز، تولید، نرخ ارز و سایر متغیرهای کلان، تحت تأثیر همین انتظارات شکل می‌گیرد. در دنیای واقعی، این انتظارات به دلیل درک متفاوت افراد از روندهای کوتاه مدت و بلند مدت قیمتی، ناهمگون و متغیر خواهند بود. از این منظر، کنترل تورم بدون شناخت کافی از فرآیند شکل‌گیری انتظارات تورمی، امری غیرممکن خواهد بود (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۹). به نظر می‌رسد در ایران، سیاست‌گذار پولی توجه کافی به نقش انتظارات تورمی در هدایت سیاست‌ها مبذول نمی‌دارد؛ چرا که انتظارات نادرست و مبهم، سبب ناطمینانی در چشم‌انداز بازدهی تولید و سرمایه‌گذاری شده و هزینه‌هایی برای اقتصاد ملی به همراه خواهد داشت. یکی دیگر از پیامدهای رفاهی تورم انتظاری، افزایش هزینه‌های واقعی مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است، زیرا برداشت‌های افراد از آینده متغیرهای کلان اقتصادی، مستقیماً بر کنش اقتصادی آنان مؤثر است. عواملی همچون تغییر قیمت درآمدهای نفتی در کشورهای نفت خیز از جمله ایران، افزایش درآمدهای نفتی از کانال افزایش مخارج و اعتبارات و عدم واردات می‌تواند به افزایش فشارهای تورمی منجر شده و انتظارات آتی کنشگران اقتصادی را به نحوی منفی تحت تأثیر قرار داده و به افزایش بی‌ثباتی در نرخ تورم منجر شوند (ابراهیمی، ۱۴۰۲). سنجش و پایش این متغیر در اقتصاد ایران، به‌منزله ابزاری راهبردی در بهبود سیاست‌گذاری‌ها عمل می‌نماید؛ چرا که این انتظارات همانند یک "قطب‌نما"، جهت‌گیری فعالان اقتصادی و نیز تصمیم‌سازی نهادهای سیاست‌گذار را شکل می‌دهد. از آن جایی شواهد آماری اقتصاد ایران مؤید آن است که دولت نقش مؤثری در افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی داشته است؛ به‌ویژه در شرایطی که هم‌زمان شاهد رشد بدهی دولت به بانک‌ها نیز بوده‌ایم. از این منظر، بخش عمده‌ای از تزریق نقدینگی به اقتصاد، محصول فشارهای مضاعف بر نظام بانکی و استقراض غیرمستقیم دولت از بانک مرکزی بوده است. به عبارت دقیق‌تر، تأخیر دولت در بازپرداخت بدهی‌ها به شبکه بانکی، بانک‌ها را وادار به رجوع به بانک مرکزی نموده و بدین ترتیب پایه پولی و تورم را افزایش داده است. این روند که در قالب استقراض مستمر دولت از نظام بانکی و گسترش بدهی به بانک مرکزی دنبال می‌شود، از ویژگی‌های ساختاری اقتصاد ایران در سال‌های اخیر به شمار می‌رود و تأثیرات پایداری بر متغیرهای کلان اقتصادی برجای می‌گذارد که در اقتصاد ایران، سلطه مالی دولت وجود دارد؛ به عبارتی کسری بودجه دولت باعث افزایش پایه پولی شده و از این طریق، دولت با استفاده از منابع بانک مرکزی و بانک‌های تجاری، فشار تورمی ایجاد می‌کند. در واقع، دسترسی بانک مرکزی به تخمین‌های دقیق از انتظارات تورمی، نقش بسزایی در انتخاب نوع سیاست‌های اقتصادی و سطح تورم آینده خواهد داشت؛ در حالی که فقدان چنین برآوردی، می‌تواند به اتخاذ تصمیماتی ناصحیح و در نهایت بی‌ثباتی اقتصادی منجر شود (کاوایانی و فرج‌نیا، ۱۴۰۲). محدودیت در دسترسی به اطلاعات دقیق و صحیح، به‌ویژه برای سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی، خود زمینه‌ساز تشدید اشتباهات در شکل‌گیری انتظارات می‌گردد. در مجموع، ضرورت مطالعه دقیق و جامع درخصوص انتظارات تورمی، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ چرا که این پدیده، بر تمامی ابعاد اقتصادی و اجتماعی زندگی افراد اثرگذار است. در نهایت، مطالعات صورت‌گرفته در اقتصاد ایران حاکی از آن است که ماندگاری ساختاری تورم در کشور، در کنار شوک‌های وارده از بخش واقعی اقتصاد، از دلایل اصلی ثبات انتظارات تورمی در سطوح بالا بوده‌اند (عیسی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵). به بیان دیگر،

این انتظارات نقش مهمی در پدیده تورم مزمن ایفا می‌کنند و بی‌توجهی به ابعاد مختلف آن، می‌تواند کارایی سیاست‌های اقتصادی را تضعیف نماید. اگرچه انتظارات تورمی می‌تواند به عنوان موضوعی مستقل مورد بررسی قرار گیرد، اما پیوند آن با عوامل ساختاری و بنیان‌های بی‌ثباتی اقتصادی کشور قابل انکار نیست. بی‌توجهی به این مسأله می‌تواند موجب نادیده گرفتن نقش مهم و اثرگذار آن در ساختار کلان اقتصادی شود. اهداف اصلی این پژوهش به طور خلاصه عبارت‌اند از: ۱) عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تشدید انتظارات تورمی در ایران (۲) تشخیص مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر بروز این نوع انتظارات (۳) شناسایی عوامل تأثیرپذیر از فرآیندهای انتظارات تورمی. بر همین اساس، سؤالات کلیدی تحقیق عبارت‌اند از: عوامل مؤثر در بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران کدام‌اند؟ و کدام عوامل به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر در این روند قابل شناسایی‌اند؟

ادبیات پژوهش

مبانی نظری

تورم

تورم به افزایش مستمر و بازگشت‌ناپذیر سطح عمومی قیمت‌ها اطلاق می‌شود، پدیده‌ای که به موجب آن از ارزش پول ملی به معنای کاهش قدرت خرید به تدریج کاسته خواهد شد (آرمن و همکاران، ۱۳۹۶). به عبارت دیگر تورم کاهش تدریجی قدرت خرید است که به علت افزایش گسترده قیمت کالاها و خدمات در طول زمان منعکس می‌شود چرا که قیمت‌ها به سرعت در حال افزایش هستند (فرناندو، ۲۰۲۵). در این تعاریف، عنصر زمان و تداوم روند افزایشی قیمت‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که افزایش مقطعی قیمت‌ها که فاقد استمرار باشد، در زمره تورم قرار نمی‌گیرد. در تعریف دیگری، تورم به منزله افزایش شدید، نامتناسب و غالباً غیرقابل برگشت سطح عمومی قیمت‌ها با ویژگی خودافزایی و روند صعودی مستمر، مطرح می‌شود. منشأ این افزایش ممکن است عواملی چون گسترش حجم پول و اعتبار، رشد نامتناسب هزینه‌های تولید، افزایش قیمت کالاهای وارداتی یا رخدادهای طبیعی نظیر سیل و خشکسالی باشد (شاکری، ۱۳۹۵).

انتظارات تورمی

مکانیسم شکل‌گیری انتظارات در کلیه مکاتب پولی اعم از کلاسیک‌ها و مکتب اصالت پول مبتنی بر فرایند «انتظارات تطبیقی» است به این معنا که تورم انتظاری، فقط به صورت تدریجی و طبق فرضیه انتظارات تطبیقی یا تصحیح خطای انتظارات با تورم واقعی تطبیق می‌یابد. در این مدل که انتظارات گذشته‌نگر هم نامیده می‌شود، انتظارات تورمی صرفاً بر مبنای نرخ‌های تورم گذشته هستند. ایده اصلی این موضوع ابتدا توسط «کاگان» در زمینه ابر تورم مدل‌بندی شده است بدین صورت که عاملان اقتصادی، انتظارات تورمی خود را بر اساس نرخ‌های تورم گذشته تطبیق داده و آنها از خطاهایشان یاد می‌گیرند (اسنودان و آروین، ۲۰۲۱). اما در این میان این پرسش مطرح می‌شود که چرا باید کارگزاران اقتصادی به طور منظم و سیستماتیک توسط نرخ تورم فریب داده شوند؟ در نتیجه این پرسش‌ها «جان میوت» در سال ۱۹۶۱ مفهوم انتظارات عقلایی را به عنوان جانشین نگرش انتظارات تطبیقی کلاسیک و مکتب اصالت پول فریدمن مطرح کرد. میوت استدلال می‌کند که اطلاعات باید درست همانند یک منبع ارزشمند تلقی شوند که در جهت حداکثرسازی منافع به نحو کارآمد مورد استفاده قرار می‌گیرند. او بیان می‌کند اشخاصی که هدف حداکثرسازی مطلوبیت را دنبال می‌کنند از تمامی اطلاعات موجود در جهت شکل‌دهی انتظارات شان بهره‌گیری خواهند کرد در این میان قسمتی از اطلاعات مفید که به رفتار سیستم اقتصادی مربوط می‌شود ساختار بنیادین آن سیستم می‌باشد در نتیجه می‌توان بیان کرد که کارگزاران عاقل از دانش خود راجع به ساختار سیستم اقتصادی به منظور شکل‌دهی به انتظارات‌شان بهره می‌برند. در واقع فرضیه انتظارات عقلایی به این معناست که مردم در پیش‌بینی‌های خود

اقدامی برای اشتباهات منظم نمی‌کنند و با توجه به این که در مکتب انتظارات عقلایی سیاست‌های اقتصادی آنی دولت در انتظارات تورمی کارگزاران لحاظ می‌شود سیاست‌های پولی هیچ‌گونه تأثیری بر متغیرهای حقیقی اقتصاد ندارند و تنها می‌تواند باعث افزایش متغیرهای اسمی (مانند تورم) شود (درویدیان و همکاران، ۱۳۹۵). به انتظارات عقلایی، انتظارات جلونگر یا انتظارات مبتنی بر مدل نیز گفته می‌شود. در این روش شکل دهی انتظارات، عوامل اقتصادی به جای اینکه تنها به گذشته نگاه کنند و بر اساس مقدار تحقق یافته متغیرها در گذشته و وزن دادن به آنها، متغیرهای قیمتی مورد نظر خود را پیش‌بینی کنند بیشتر وضعیت آینده را مد نظر قرار می‌دهند لذا عوامل مذکور الگوی کلان را در نظر می‌گیرند و از همه اطلاعات موجود در مورد اجزاء مدل، متغیرها و پارامترهای آن به طور کامل استفاده می‌کنند و از این طریق و با به کارگیری تمام اطلاعات موجود، تغییرات قیمت را پیش‌بینی کرده و انتظارات خود را شکل خواهند داد. در چارچوب فرضیه انتظارات عقلایی فرض بر این است که عوامل اقتصادی تمام سیاست‌ها و شوک‌های پیش‌بینی شده را در مدل اقتصادی قرار داده و اثرات آن را محاسبه می‌کنند و بر این اساس قیمت‌های خود را تعدیل کرده و اثر سیاست‌ها را خنثی می‌کنند (شاکری، ۱۳۹۵).

عوامل تأثیرگذار بر انتظارات تورمی (الف) عوامل اقتصادی

برای تبیین اهمیت مقوله تورم و انتظارات تورمی، ضروری است عوامل مؤثر بر پیدایش این پدیده به‌دقت شناسایی گردند؛ در این میان، تمرکز بر مؤثرترین و تأثیرپذیرترین متغیرها، به‌منظور واکاوی ریشه‌ای این معضل در اقتصاد، از اولویت برخوردار است. نخستین عامل مؤثر در شکل‌گیری انتظارات تورمی، تجربه تورمی سال‌های گذشته می‌باشد؛ در خصوص این موضوع فریدمن با مطرح کردن انتظارات تطبیقی که به معنی شکل‌گیری انتظارات تورمی بر مبنای اطلاعات گذشته یا انتظارات تورمی گذشته نگر است به این نتیجه رسید که دلیل رشد دستمزدها و رشد قیمت‌ها نه فقط اضافه تقاضا که انتظارات تورمی یا پیش‌بینی فعالان اقتصادی از تورم خواهد بود (حسینی و شکوهی، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر، ادراک عمومی از نرخ تورم گذشته، نقش تعیین‌کننده‌ای در برآورد تورم آینده ایفا می‌کند. از این‌رو، نرخ تورم "احساس شده" از سوی مردم که گاه با نرخ‌های اعلامی از سوی نهادهای رسمی متفاوت است یکی از عوامل کلیدی در تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران اقتصادی تلقی می‌گردد. نتایج مطالعات متعدد حاکی از آن است که فعالان اقتصادی، انتظارات خود را بر اساس ادراکات شخصی از تورم گذشته تنظیم می‌نمایند نه صرفاً داده‌های آماری رسمی؛ به‌گونه‌ای که همبستگی بالایی میان انتظارات تورمی و تورم احساس شده وجود دارد. لذا در چارچوب سیاست‌های هدف‌گذاری تورمی که هدف آن جهت‌دهی به انتظارات است، توجه مضاعف به نرخ تورم احساس شده ضروری به نظر می‌رسد (عبداللهی، ۱۴۰۲). دومین عامل اثرگذار، سیاست‌های پولی و مالی اعمال شده در اقتصاد است. به طور خاص، تصمیمات بانک مرکزی نظیر تغییر در نرخ بهره یا حجم نقدینگی، تأثیر مستقیمی بر انتظارات تورمی دارند. از این رو استقلال بانک مرکزی می‌تواند بر متغیرهای اصلی اقتصاد کلان به‌ویژه تورم اثر قابل توجهی داشته باشد. این تصمیم با هدف دور نگه داشتن بانک مرکزی از فشارهای سیاسی اتخاذ شده است زیرا اهداف سیاسی کوتاه مدت اغلب موجب سیاست‌های پولی ناسازگار با ثبات اقتصادی می‌شوند. در واقع هدف از استقلال بانک مرکزی آن است که این نهاد تحت تأثیر سیاست‌های کوتاه‌مدت قرار نگیرد و بتواند آزادی عمل بیشتری در کنترل تورم و ثبات قیمت‌ها داشته باشد. به طور کلی اگر بانک مرکزی مستقل باشد دولت برای تأمین کسری بودجه به‌طور مداوم از آن استقراض نمی‌کند و در نتیجه نقدینگی و تورم کنترل می‌شود. در واقع هدف اصلی استقلال بانک مرکزی جدایی سیاست‌های پولی از سیاست‌های مالی در نظام اقتصادی کشور است. این استقلال موجب می‌شود که بانک مرکزی از تسلط کامل دولت خارج شود و دولت نتواند به‌دلخواه و بدون محدودیت از بانک مرکزی استقراض کند یا با انتشار پول کسری بودجه خود را تأمین نماید. در یک نظام بانکی سالم بانک‌های مرکزی کنترل تورم در سطوح پایین و ثبات آن در وضعیت‌های مختلف اقتصادی را هدف اصلی سیاست پولی خود قرار می‌دهند لذا چیرگی دولت این سیاست‌ها را دستخوش تغییرات خواهد کرد (شاکری و باقرپوراسکویی، ۱۴۰۲). به طور کلی در متون اقتصادی سه راهکار مطرح شده است که از طریق آن استقلال بانک مرکزی می‌تواند تورم را کنترل کند. دو مورد از این

دلایل به وضعیت مالی دولت مربوط می‌شوند و دلیل سوم به ناسازگاری زمانی بازمی‌گردد. نخست، دیدگاه انتخاب عمومی (عدم استقلال بانک مرکزی موجب تحمیل فشارهای سیاسی بر این نهاد می‌شود زیرا بانک مرکزی مجبور است مطابق خواسته‌های دولت عمل کند)، دوم، سیاست‌های پولی صلاح‌دید (اگر دولت اختیار اعمال سیاست‌های پولی را داشته باشد ممکن است برای کاهش نرخ بیکاری در کوتاه‌مدت سیاست‌های انبساطی پولی را اجرا کند در چنین شرایطی اهداف سیاسی بر ثبات قیمت‌ها ترجیح داده می‌شوند که این امر می‌تواند موجب افزایش تورم شود) و سوم، غلبه سیاست مالی بر سیاست پولی (هنگامی که سیاست مالی بر سیاست پولی غلبه کند، بانک مرکزی نمی‌تواند بر مقدار کسری بودجه تأثیر بگذارد. در این حالت سیاست پولی به طور درون‌زا به تابعی از کسری بودجه دولت تبدیل شده و بانک مرکزی کنترلی بر سیاست پولی نخواهد داشت) که این عدم کنترل موجب بی‌ثباتی پولی و نوسانات تورم خواهد شد (نوراحمدی و همکاران، ۱۴۰۱). به طور خلاصه باید گفت سیاست‌گذاری در خصوص تورم بدون درک صحیحی از انتظارات تورمی میسر نخواهد شد. در یک رابطه دو سویه، تأثیر انتظارات تورمی بر سیاست‌های پولی و مالی بر هیچکس پوشیده نیست. در واقع انتظارات تورمی بر نحوه سیاست‌گذاری مؤثر خواهد بود زیرا در حوزه سیاست پولی، انتظارات تورمی در بلندمدت تأثیر زیادی در نوع سیاست‌گذاری کوتاه مدت (انبساطی یا انقباضی) داشته و بانک‌های مرکزی که توانسته بودند انتظارات را در بلندمدت کنترل کنند، موفقیت بیشتری در اجرای سیاست‌های کوتاه مدت نیز داشتند. به همین دلیل انتظارات تورمی به عنوان یکی از متغیرهای مهم در سیاست‌گذاری‌ها مطرح می‌شود زیرا اگر تأثیر انتظارات تورمی بر سیاست‌گذاری‌ها به درستی تحلیل شود می‌تواند نرخ تورم در آینده را جهت‌دهی کند (کاوایی و فرج‌نیا، ۱۴۰۲). در این زمینه باید اذعان داشت که انتظارات تورمی، از مهم‌ترین متغیرهای اثرگذار در سیاست‌گذاری پولی محسوب می‌شود؛ به طوری که تنظیم این انتظارات در بلندمدت می‌تواند ابزاری برای کاهش نوسانات کوتاه مدت و تأمین ثبات اقتصادی فراهم سازد. نکته حائز اهمیت دیگر، تمایز میان افزایش مقطعی سطح عمومی قیمت‌ها و تورم مزمین است. در حالی که افزایش یکباره سطح قیمت‌ها ممکن است ناشی از اجرای یک سیاست خاص در یک بازه زمانی محدود باشد، اما پایداری در روند افزایشی قیمت‌ها، بیش از هر چیز نتیجه تداوم سیاست‌های مالی و پولی نادرست است. در این میان، نقش دولت در تشدید بحران انکارناپذیر است. افزایش همزمان بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و بدهی دولت به بانک‌ها نشان‌دهنده آن است که بخش قابل‌توجهی از افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی که موجب رشد پایه پولی شده ناشی از فشار به بخش بانکی است به این معنا که دولت نه تنها از طریق افزایش بدهی شرکت‌های دولتی و بدهی مستقیم خود به بانک مرکزی موجب افزایش پایه پولی و در نتیجه تورم می‌شود بلکه با اعمال فشار بر شبکه بانکی و افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی نیز در رشد پایه پولی نقش بسزایی دارد. افزایش مداوم پایه پولی از سوی دولت از طریق استقراض بخش دولتی از سیستم بانکی یکی از مسائل مهم اقتصاد ایران است. در واقع دو پدیده به‌طور هم‌زمان در حال وقوع هستند: اول، دولت به‌طور مستمر بدهی خود را برای تأمین مالی مخارج گسترش می‌دهد. دوم، بخش قابل‌توجهی از این بدهی از طریق سیستم بانکی و به‌طور غیرمستقیم از بانک مرکزی تأمین می‌شود. این فرآیند به این صورت رخ می‌دهد که دولت بدهی خود به بانک‌ها را بازپرداخت نمی‌کند، بانک‌ها برای تأمین منابع مالی خود به بانک مرکزی متوسل می‌شوند و در نتیجه این چرخه معیوب موجب افزایش پایه پولی و در نهایت پیامدهای تورمی خواهد شد. بخش زیادی از بدهی‌هایی که دولت به بانک‌ها دارد ناشی از قوانین و مقرراتی است که تکالیفی را به بانک‌ها جهت اعطای وام به بخش دولتی و غیر دولتی با ضمانت دولت تکلیف می‌کند. قوانین بودجه سنواتی از جمله قوانینی است که به واسطه آن تکالیف زیادی به شبکه بانکی اعمال شده و بخش زیادی از بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی ناشی از قوانین بودجه سنواتی می‌باشد (کاوایی و همکاران، ۱۳۹۵). قوانین بودجه سنواتی به عنوان سند مخارج و درآمدهای دولت طی یک سال بخش اصلی و عمده سیاست مالی دولت را نشان می‌دهد. بودجه به عنوان سیاست مالی دولت بر متغیرهای کلان اقتصادی از هر سه بخش رقم کل بودجه، درآمدها و مخارج تأثیرگذار است. رقم کل بودجه تغییرات آن نسبت به سال گذشته و نسبت آن به کمیت‌های کلان اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی بر مولفه‌های کلان اقتصادی چون رشد اقتصادی و نرخ تورم اثرگذار است و از آن جایی که تورم یکی از متغیرهای کلان اقتصادی است که در اقتصاد ایران ارتباط

مستقیمی با بودجه و احکام مندرج در قوانین بودجه خواهد داشت به همین دلیل در کشور ایران متأسفانه برای این موضوع هنوز استقلال کافی وجود ندارد و بانک مرکزی از تصمیمات دولت پیروی می‌کند لذا مسئله تورم مزمن بلندمدت ایران را نمی‌توان تنها در بانک مرکزی مورد بررسی قرار داد بلکه دولت و دیگر نهادهای قانون‌گذار در این زمینه نقش موثری را دارند. لذا هرگونه استفاده از منابع بانک مرکزی در بودجه عمومی دولت منجر به افزایش پایه پولی شده و در نتیجه زمینه افزایش تورم را فراهم خواهد کرد. تأمین بودجه عمومی از منابع بانک مرکزی مهم‌ترین مسیر ارتباط بین قانون بودجه و تورم می‌باشد و برای رسیدن به تورم تک رقمی و پایدار لازم است. استفاده از منابع بانک مرکزی به عنوان منابع بودجه عمومی مصداق این عبارت (سلطه سیاست مالی بر سیاست پولی) است. سلطه سیاست مالی بر سیاست پولی به وضعیتی اطلاق می‌گردد که بانک مرکزی برای تأمین کسری بودجه دولت از اهداف اصلی خود یعنی کنترل پایه پولی و تورم دور خواهد شد. اصطلاحی تحت عنوان سرکوب مالی^۱ وجود دارد که به مجموعه‌ای از سیاست‌ها، قوانین، قاعده‌گذاری‌ها، مالیات‌ها و محدودیت‌های مقداری و کیفی که توسط دولت بر بازار مالی وضع می‌شود نیز گفته خواهد شد که در نهایت منجر به فاصله بازار مالی از سطح بالقوه کارکرد تکنیکی خود می‌شود. دولت برای افزایش درآمدهای خود به وسیله افزایش مالیات تورمی قوانینی را در بازار مالی وضع می‌کند که منجر به سرکوب مالی خواهد شد. در برخی تعاریف سرکوب مالی وضعیتی است که در آن پس اندازکنندگان درآمدی کمتر از نرخ تورم را به دست آورده و به این شیوه دولت منابع ارزان قیمت به دست می‌آورد و بدهی‌های خود را با نرخی کمتر از تورم بازپرداخت می‌کند. تکلیف به بانک‌های عامل برای اعطای تسهیلات به مصارف یا گروه‌های خاص، اعطای تسهیلات با نرخی کمتر از نرخ بازار، بخشودگی و پذیرش نوع خاصی از وثایق، مواردی از مصادیق سرکوب مالی می‌باشد. سرکوب مالی و تکلیف به بانک‌ها منجر به کاهش قدرت بانک‌ها در مدیریت منابع، افزایش مطالبات غیر جاری و در نهایت اضافه برداشت بانکها از بانک مرکزی خواهد شد که نتیجه آن افزایش پایه پولی و پیامدهای تورمی می‌باشد.

همچنین نحوه تأمین منابع بودجه اعم از مالیات، منابع بانک مرکزی، فروش نفت و اوراق مشارکت تأثیر متفاوتی بر شاخص‌های کلان خواهد داشت؛ به طوری که تأمین مالی از طریق استقراض مستقیم از بانک مرکزی، اثرات تورمی بیشتری در مقایسه با روش‌هایی مانند اخذ مالیات دارد (حاج امینی و همکاران، ۱۳۹۵). لذا نوع تخصیص و مصارف بودجه نیز، فارغ از حجم آن، آثار متفاوتی بر اقتصاد کلان به جا می‌گذارد. در واقع هدف اصلی استقلال بانک مرکزی جدایی سیاست‌های پولی از سیاست‌های مالی در نظام اقتصادی کشور است. این استقلال موجب می‌شود که بانک مرکزی از تسلط کامل دولت خارج شود و دولت نتواند به‌دلخواه و بدون محدودیت از بانک مرکزی استقراض کند یا با انتشار پول کسری بودجه خود را تأمین نماید. در یک نظام بانکی سالم بانک‌های مرکزی کنترل تورم در سطوح پایین و ثبات آن در وضعیت‌های مختلف اقتصادی را هدف اصلی سیاست پولی خود قرار می‌دهند لذا چیرگی دولت این سیاست‌ها را دستخوش تغییرات خواهد کرد علاوه بر این بی‌انضباطی‌های مالی مانند کسری بودجه و اجرای سیاست‌های پولی ناهماهنگ، از طریق تأثیرگذاری بر پایه پولی، زمینه‌ساز شکل‌گیری انتظارات تورمی در اقتصاد می‌شوند. البته باید توجه داشت که استقلال بانک مرکزی نیز مفهومی نسبی است و باید در چارچوب قوانین و اهداف کلان کشور تفسیر شود (نوراحمدی و همکاران، ۱۴۰۱). در بُعدی دیگر نااطمینانی در فضای اقتصادی نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد و تشدید انتظارات تورمی ایفا می‌کند. افزایش نوسانات اقتصادی، به‌ویژه در نتیجه تغییرات ناگهانی سیاست‌های اقتصادی در سطح جهانی، بیشترین تأثیر را بر کشورهای در حال توسعه دارد. نااطمینانی در سیاست‌گذاری، بازده سرمایه‌گذاری را کاهش داده و مهاجرت سرمایه به خارج را تسریع می‌بخشد. از نگاه نظریه‌های اقتصاد باز، تکانه‌های ناشی از تجارت بین‌الملل و تغییرات قیمت‌های جهانی می‌توانند از مسیرهای مختلفی نرخ تورم داخلی را متأثر سازند (لعل خضری و آشنا، ۱۴۰۲). در شرایط فقدان شفافیت و پیش‌بینی‌پذیری، انتظارات مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نسبت به آینده تضعیف شده و زمینه برای تشدید تورم فراهم می‌شود (رضازاده، ۱۳۹۸). در نهایت، یکی از مؤلفه‌های کلیدی در فرآیند شکل‌گیری انتظارات تورمی در ایران، نوسانات نرخ ارز است. نرخ ارز از کانال‌های مختلفی (مثل اثر مخارج، قیمت کالاهای وارداتی و نهادهای وارداتی) بر سطح عمومی قیمت‌ها اثر گذار است. افزایش نرخ ارز موجب بالا رفتن سطح قیمت‌ها از هر دو جهت

عرضه و تقاضا می‌گردد. با افزایش نرخ ارز و مفروض دانستن شرایط مارشال-لرنر منحنی تقاضای کل به سمت راست منتقل می‌شود و با توجه به ثابت گرفتن منحنی عرضه کل در کوتاه مدت این تغییرات موجب افزایش تولید حقیقی و سطح قیمت‌ها در کوتاه مدت خواهد شد اما در میان مدت و بلند مدت افزایش سطح قیمت‌ها منجر به افزایش هزینه‌های مصرفی و افزایش دستمزدهای اسمی خواهد شد که در یک حالت حدی دستمزدها به میزانی برابر با افزایش سطح قیمت‌ها افزایش می‌یابند که در چنین شرایطی منحنی عرضه کل تا اندازه‌ای به سمت چپ منتقل شده تا تولید واقعی به سطح اولیه برگردد. در این بین اگر دستمزدها کمتر از افزایش سطح واقعی قیمت‌ها تعدیل شوند، منحنی عرضه کل به سمت چپ منتقل می‌شود اما از سطح اولیه خود بیشتر است. از طرف دیگر تغییر نرخ ارز حقیقی دارای اثرات مستقیمی بر عرضه کل خواهد بود. با افزایش نرخ ارز قیمت نهاده‌های وارداتی مورد نیاز بنگاه‌های تولیدی افزایش خواهد یافت و از این طریق بنگاه‌ها برای جبران هزینه‌ها مجبور به افزایش قیمت‌های نهایی تولید خواهند شد بنابراین در هر سطحی از تولید، قیمت تولیدکننده افزایش یافته و منحنی عرضه کل به سمت چپ منتقل می‌شود که در نتیجه با ثابت در نظر گرفتن شرایط منحنی تقاضای کل، کاهش عرضه کل افزایش سطح قیمت‌ها و کاهش سطح تولید را به دنبال دارد. با این اوصاف اگر تنها سمت عرضه اقتصاد مد نظر باشد افزایش نرخ ارز، افزایش موقت سطح قیمت‌ها و افزایش موقت سطح تولید را به وجود می‌آورد که البته تحلیل ارتباط قیمت‌ها و نرخ تورم در منحنی عرضه کل بر اثر افزایش نرخ ارز تفاوت‌هایی با تحلیل‌های طرف تقاضا دارد اما در نهایت برای اظهار نظر دقیق در خصوص اثر خالص افزایش نرخ ارز بر سطح تولید واقعی باید برخی موارد دیگر مانند میزان وابستگی بنگاه‌های داخلی به نهاده‌های وارداتی و سهم این نهاده‌ها در سبد کالای وارداتی را نیز تحلیل کرد. از طرفی بی‌انضباطی‌های پولی و مالی منجر به افزایش نقدینگی و به دنبال آن افزایش سطح قیمت‌ها خواهد شد و ثبات نرخ ارز در این شرایط شکل‌گیری همزمان انتظارات تورمی و انتظارات افزایشی نرخ ارز را به همراه خواهد داشت. در این وضعیت بازار ارز مهبلی وقوع بحران پولی و آغاز حمله‌های سوداگران شده و هر گونه اختلال در عرضه ارز، نرخ ارز را از کنترل سیاست‌گذار خارج کرده و بازار ارز را با شوک‌های افزایشی شدیدی مواجه خواهد کرد. نکته حائز اهمیت این است که در این شرایط همراهی بروز بحران پولی شکل‌گیری انواع خاصی از انتظارات مانند انتظارات خود محقق شونده و انتظارات استقرایی را پدید می‌آورند که نرخ ارز را در سطحی بالاتر از حدود تعادل قرار داده و در این صورت بازار با چرخه مخرب همزمان نرخ ارز و سطح عمومی قیمت‌ها مواجه خواهد شد (رودری و همکاران، ۱۴۰۲). در واقع پویایی‌های نرخ ارز پیامدهای بسیار مهمی برای تعادل داخلی مانند تعادل خارجی داشته و اهمیت آن از دیرباز مورد توجه است. منظور از سازوکار انتقال نرخ ارز و نحوه تغییرات آن و تغییر در تورم بدین معنی است که اثرگذاری تغییرات نرخ ارز بر قیمت‌های داخلی به دو طریق مستقیم و غیر مستقیم مورد بررسی قرار می‌گیرد. اثر مستقیم تغییرات نرخ ارز به قیمت مصرف‌کننده و تولیدکننده داخلی از طریق کالاهای وارداتی صورت می‌گیرد به عبارت دیگر تغییرات نرخ ارز از طریق اثر بر قیمت کالاهای وارداتی و سپس تغییر هزینه‌های تولید، قیمت‌های داخلی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. اثر غیر مستقیم آن با تغییر در ترکیب تقاضا، سطح تقاضا و تاثیر بر انتظارات تورمی به وجود می‌آید. به این صورت که با افزایش نرخ ارز قیمت کالاهای خارجی نسبت به تولیدات داخلی گران شده و این موضوع منجر به تغییر در ترکیب تقاضا به صورت افزایش تقاضا برای کالاهای جانشین می‌شود و همچنین مقدار تقاضا برای صادرات کالاهای تولید شده در داخل از سوی خارجیان افزایش خواهد داشت. به عبارتی افزایش تقاضا برای محصولات داخلی با وجود ظرفیت‌های محدود تولید سبب فشار تورمی شده که بنگاه‌ها برای تامین نیاز مشتریان داخلی و خارجی تولید را افزایش داده که این امر به تقاضا برای نیروی کار، افزایش دستمزد اسمی و در نهایت افزایش سطح عمومی قیمت‌ها منجر خواهد شد (خضرزادگان و حیدری، ۱۴۰۲).

ب) عوامل روانشناختی

اگرچه بررسی عوامل اقتصادی پیش‌گفته در تبیین انتظارات تورمی کارآمد و ضروری است، اما برای دستیابی به تحلیلی جامع‌تر، باید به بُعد روان‌شناختی این پدیده نیز توجه نمود. یکی از محورهای اصلی در این حوزه، ادراک عمومی نسبت به شرایط اقتصادی است؛ به‌ویژه ادراکات و احساسات خانوارها و بنگاه‌ها که می‌توانند نقشی تعیین‌کننده در شکل‌گیری انتظارات تورمی

ایفا کنند. در نتیجه یکی از نکات مهم در بررسی تورم پیش‌بینی‌هایی است که مردم و کسب و کارها درباره آینده تورم دارند. این پیش‌بینی‌ها روی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی آنها اثر زیادی می‌گذارد. از نگاهی دیگر برای درک بهتر باید بررسی کنیم که مردم تاکنون تورم را چطور دیده‌اند و چه عواملی روی دیدگاهشان اثر گذاشته است. وقتی نرخ تورم بالا باشد انتظار مردم نسبت به آینده بیشتر نمایان می‌شود اما اگر تورم پایین باشد ممکن است زیاد به آن توجه نکنند و اگر ارتباط بانک مرکزی با مردم درست نباشد و مردم دقیقاً ندانند تورم چه معنایی دارد شکاف میان برداشت مردم و اطلاعات رسمی بیشتر می‌شود (و بر و همکاران^۱، ۲۰۲۲). به طور خلاصه می‌توان گفت که پیش‌بینی مردم درباره تورم باعث می‌شود خریدهایشان کمتر شود وقتی مردم در ذهن‌شان تصویری از تورم می‌سازند بیشتر به چیزهایی مثل قیمت‌هایی که بالا رفته‌اند، کالاهایی که مدام می‌خرند و محصولاتی که قیمت‌شان به‌طور چشمگیری تغییر کرده توجه می‌کنند. از دید روانشناسی مردم وقتی درباره تورم نظر می‌دهند معمولاً قیمت‌های واقعی را با قیمت‌هایی که برایشان مهم‌ترند مقایسه می‌کنند برای همین برداشت آن‌ها از تورم معمولاً با آمارهای رسمی و سیاست‌های بانک مرکزی فرق دارد چون مردم معمولاً تورم آینده را بیشتر از چیزی که واقعاً اتفاق می‌افتد تخمین می‌زنند پس در بررسی تورم و در طراحی سیاست‌های اقتصادی باید به دیدگاه آنها توجه بیشتری شود. به‌گونه‌ای که گرچه انتظارات بنگاه‌ها ممکن است روندی کاهشی داشته باشند، اما انتظارات خانوارها اغلب در سطوح بالایی باقی می‌مانند. نحوه برداشت خانوارها از تحولات قیمتی به‌ویژه در شرایط تورمی شدید نقش مهمی در شکل‌دهی به رفتار مصرفی آنان دارد. زمانی که ارتباط میان سیاست‌های بانک مرکزی و ادراک عمومی از تورم دچار گسست شود، خانوارها بر اساس تجربه و مشاهدات روزمره خود، انتظاراتی بعضاً بالاتر از واقعیت‌های آماری شکل می‌دهند. این شکاف اطلاعاتی موجب می‌شود در دوره‌هایی که تورم واقعی در حال کاهش است نیز، انتظارات تورمی خانوارها همچنان بالا باقی بماند. در واقع، خانوارها در شکل‌گیری انتظارات خود نسبت به تورم، بیشتر بر قیمت‌های حساس و پرتکرار مانند مواد غذایی، سوخت، اجاره مسکن و سایر کالاهای مصرفی پرکاربرد تمرکز دارند و اغلب افزایش قیمت‌ها را بیش از کاهش آن‌ها در ذهن ثبت می‌کنند. در نتیجه، ارزیابی آن‌ها از تورم، تفاوت محسوسی با شاخص‌های رسمی دارد (برمن^۲، ۲۰۲۴). افزون بر این، در افق‌های زمانی مختلف، میزان انحراف انتظارات خانوارها از واقعیت اقتصادی نیز متفاوت است. در بازه‌های تورمی بالا، خانوارها به‌طور میانگین، انتظاراتی بالاتر از فعالان اقتصادی و آنچه واقعاً رخ می‌دهد ابراز می‌دارند. این در حالی است که بنگاه‌ها به‌عنوان قیمت‌گذاران بازارهای مالی، نقش مهمی در شکل‌دهی به قیمت‌های نسبی دارند. همچنین باید توجه داشت که انتظارات مصرف‌کنندگان و بنگاه‌ها هر دو در مذاکرات مزدی نقش مهمی ایفا می‌کنند و شکل‌گیری این انتظارات بر توان مصرفی و سرمایه‌گذاری تأثیرگذار است (و بر و همکاران، ۲۰۲۲). از منظر نظری، تفاوت در انتظارات تورمی را می‌توان در چارچوب دو رویکرد تحلیلی بررسی کرد: نخست، گروهی از عاملان اقتصادی دارای انتظارات برون‌گرا هستند، به این معنا که در شرایط تورم افزایشی، ادامه این روند را انتظار دارند و بالعکس. دوم، گروهی دیگر دارای انتظارات بازگشتی به میانگین هستند و باور دارند که نرخ تورم در نهایت به مسیر بلندمدت خود بازخواهد گشت. تعامل پویا میان این دو گروه و تغییر وزن آن‌ها در جامعه اقتصادی، تأثیر مستقیم بر نوسانات تورم و پایداری آن خواهد داشت.

ج) نقش رسانه‌ها و اطلاعات

در تبیین علل بروز و تشدید انتظارات تورمی، نمی‌توان نقش اطلاعات و رسانه‌ها را نادیده گرفت. رسانه‌ها به‌عنوان یکی از کانال‌های اصلی انتقال اطلاعات اقتصادی، نقشی کلیدی در شکل‌دهی به برداشتها و الگوهای ذهنی فعالان اقتصادی ایفا می‌کنند. نحوه دسترسی، کیفیت و محتوای اطلاعات منتشرشده از طریق رسانه‌ها اعم از رادیو، تلویزیون، مطبوعات و شبکه‌های آنلاین زمینه‌ساز شکل‌گیری انتظارات در میان خانوارها و بنگاه‌هاست. در شرایط تورمی و آشفتگی بازارهای مالی، فعالان اقتصادی برای حفظ ارزش دارایی‌های خود، به سمت دارایی‌های جایگزین حرکت می‌کنند؛ تصمیماتی که به‌شدت از اطلاعات دریافتی، به‌ویژه اظهارات مقامات پولی، تأثیر می‌پذیرد. دسترسی به منابع متنوع اطلاعات اقتصادی، درک متفاوتی از فرصت‌ها

و تهدیدهای اقتصادی نزد افراد ایجاد می‌کند. مطالعات نشان می‌دهد که ارائه متفاوت اطلاعات می‌تواند انتظارات تورمی را به‌طور معناداری تحت تأثیر قرار دهد. رسانه‌ها همچنین نقش مهمی در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی دارند و با ترویج شفافیت، به بهبود کیفیت تصمیم‌گیری اقتصادی کمک می‌کنند (آریان‌فر، ۱۴۰۳). با این حال، شیوه اطلاع‌رسانی، انتخاب واژگان و برجسته‌سازی موضوعات خاص می‌تواند از منظر روان‌شناختی تأثیرات عمیقی بر نگرش و انتظارات عمومی داشته باشد (پرویزیان و همکاران، ۱۳۹۸). در ادبیات روان‌شناسی رسانه، این پدیده با عنوان "برجسته‌سازی" شناخته می‌شود که به تغییر اولویت‌های ذهنی مخاطبان و جهت‌دهی به افکار عمومی اشاره دارد. اطلاعات ناقص یا تحریف‌شده، رفتارهای اقتصادی را به‌گونه‌ای هدایت می‌کند که منجر به شکل‌گیری انتظارات تورمی پایدار و بعضاً بیش از حد می‌شود. برای مثال، بنگاه‌هایی که انتظارات تورمی بالاتری دارند، با افزایش قیمت محصولات خود و کاهش سطح سرمایه‌گذاری و اشتغال، پاسخ رفتاری متفاوتی نسبت به شرکت‌هایی با انتظارات تورمی پایین‌تر نشان می‌دهند. این تصمیمات، نه تنها موجب کاهش عرضه و فروش می‌شود، بلکه زمینه‌ساز نوسانات بیشتر در بازار نیز خواهد بود. افزون بر این، افزایش انتظارات تورمی منجر به تقاضای بالاتر برای اعتبارات مالی می‌شود، چراکه بنگاه‌ها نسبت به آینده بازارهای مالی احساس نااطمینانی کرده و برای تأمین منابع مورد نیاز خود در آینده، به دریافت وام روی می‌آورند. این رفتار، از سوی خانوارها نیز مشاهده می‌شود؛ به ویژه هنگامی که همبستگی کمی میان انتظارات تورمی آن‌ها و سطح مطلوبیت مصرفی‌شان وجود دارد. برای آگاهی از واکنش انتظارات تورمی به غافلگیری از سوی داده‌های کلان این نکته حائز اهمیت است زیرا در این اثنا تغییرات انتظارات تورمی از سوی خانوارها و بنگاه‌ها در مورد آینده بر رفتار اقتصادی آنها بی‌تأثیر نبوده و این امر به نوبه خود به اطلاعات در دسترس و موجود در اقتصاد بستگی دارد. در واقع اطلاعات موجود، موجب تغییر رفتاری و در نتیجه منجر به انتظارات تورمی بزرگ و پایدار خواهد شد زیرا انتظارات تورمی بالا از طرف بنگاه‌ها مستقیماً به تصمیمات اقتصادی آنها تبدیل خواهد شد. بنگاه‌هایی که انتظارات تورمی بالاتری دارند بر قیمت‌های خود تا حدودی افزوده و در نتیجه به علت قیمت‌های بالاتر و نهاده‌های کم که در نتیجه کاهش عرضه رخ می‌دهد انتظارات تورمی بالایی داشته و از میزان فروش آنها را نیز کاسته خواهد شد. همچنین تغییرات در انتظارات تورمی بر تصمیمات مالی آنها به این علت اثرگذار است که تمایل آنها به استفاده از اعتبارات و دریافت وام از سوی موسسات مالی بیشتر شده که این موضوع به طور جدی نشان دهنده ترس آنها از کاهش میزان دسترسی‌شان به منابع مالی در آینده است (کویبیون و همکاران، ۲۰۱۹). به‌طور کلی، رسانه‌ها با ایجاد بسترهای ذهنی، نقش غیرقابل‌انکاری در تقویت یا مهار انتظارات تورمی دارند. این واقعیت اهمیت ارتباط شفاف، دقیق و هدفمند نهادهای سیاست‌گذار با افکار عمومی را دوچندان می‌کند، چرا که انتظارات شکل‌گرفته، خود به‌عنوان محرکی قوی در تداوم یا مهار چرخه‌های تورمی عمل خواهند کرد.

د) عوامل اجتماعی و سیاسی

در کنار بررسی دلایل بروز و تشدید انتظارات تورمی، توجه به تبعات اجتماعی و سیاسی این پدیده نیز ضروری است. تورم، افزون بر آثار مخرب اقتصادی، پیامدهای گسترده‌ای در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و ساختار سیاسی جامعه دارد. از جمله این آثار می‌توان به تضعیف سرمایه اجتماعی اشاره کرد؛ مفهومی کلیدی که بیانگر سطح اعتماد، همبستگی و همکاری درون جامعه است. در شرایطی که شاخص‌های کلان اقتصادی مانند تورم و رشد نقدینگی با روندی صعودی مواجه هستند، انتظار می‌رود سرمایه اجتماعی نیز در مسیر افول قرار گیرد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با تضعیف نهادهای اقتصادی، هنجارهای اجتماعی و اخلاقی نیز کاهش یافته و این چرخه منفی، بستر ناهنجاری‌های اجتماعی را فراهم می‌سازد. در واقع، ارتباطی معکوس میان بروز ناهنجاری‌ها و سطح سرمایه اجتماعی وجود دارد. به عبارتی، افزایش بی‌ثباتی اقتصادی و ظهور اختلالاتی همچون تورم مزمن، موجب کاهش احساس مسئولیت جمعی و اعتماد عمومی می‌شود. تجربه اقتصاد ایران در دهه‌های اخیر، نشان می‌دهد که فشارهای معیشتی ناشی از تورم، پیامدهایی همچون افزایش بزهکاری، فساد، طلاق، اختلاس و سایر آسیب‌های اجتماعی

را به دنبال داشته است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸). از این رو، تورم نه تنها یک متغیر اقتصادی بلکه عامل تهدیدکننده نظم اجتماعی و اخلاق عمومی نیز تلقی می‌شود. علاوه بر این، از منظر اقتصاد توسعه، هیچ متغیری به اندازه تورم، توانایی برهم زدن نظم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را ندارد. این پدیده، سطح اعتماد به ساختارهای رسمی را کاهش داده و کارایی ابزارهای کنترل اجتماعی را تضعیف می‌کند. به ویژه در اقتصادی همچون ایران که سیاست‌گذاری اقتصادی طی سه دهه اخیر مبتنی بر رویکرد غالب اصلاحات قیمتی بوده، غفلت از اصلاحات نهادی و ساختاری، ریشه بسیاری از ناپایداری‌های اقتصادی و تورمی است. رویکرد اقتصاد سیاسی توسعه، با تمرکز بر سازوکارهای قدرت و تعارض منافع میان ذی‌نفعان، تحلیل جامع‌تری از چرایی تداوم نابسامانی‌های اقتصادی ارائه می‌دهد. در این چارچوب، شوک‌های قیمتی ناگهانی به کالاهای کلیدی، بدون تقویت طرف عرضه، زمینه‌ساز شکل‌گیری رانت‌های اقتصادی می‌شود. برخلاف سود و مزد که تابع عملکرد بازار هستند، رانت محصول نوسانات و تحولات قیمتی کنترل نشده است. این شرایط موجب فرسایش انگیزه‌های تولیدی، رشد بخش‌های غیرمولد و تعمیق نابسامانی در نظم اقتصادی-اجتماعی می‌شود (علیزاده و مومنی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، انتظارات تورمی بالا، فشارهای قابل توجهی بر اقشار آسیب‌پذیر، به‌ویژه خانوارهای کم‌درآمد وارد می‌کند. کاهش قدرت خرید، کاهش مصرف، افزایش آینده‌هراسی و کاهش شاخص‌های روانی مانند حس فداکاری و رضایت از زندگی، از جمله پیامدهای گسترده آن است (دلیری، ۱۴۰۲). در مجموع، انتظارات تورمی را می‌توان نه تنها یک متغیر اقتصادی، بلکه پدیده‌ای چندوجهی با آثار قابل توجه در لایه‌های عمیق اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی جامعه دانست.

پیشینه تجربی

برمن (۲۰۲۴) در پژوهشی با عنوان «روانشناسی تورم» به این نتیجه رسید که به منظور تحلیل و پیش‌بینی تحولات تورمی، درک بهتر انتظارات تورمی خانوارها و رفتار بنگاه‌ها در خصوص قیمت‌گذاری ناشی از تغییرات تورم در دوره‌های مختلف چقدر مهم است. همچنین بیان کرد در صورتی که خانوارها انتظار کاهش قیمت‌ها را در آینده داشته باشند این موضوع از انتظارات تورمی آنها می‌کاهد. در نتیجه تحلیل روانشناختی در خصوص عواملی که با اقتصاد رفتاری و تورم مرتبط هستند حائز اهمیت است.

رایش و میلر^۱ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان «انتظارات تورمی مصرف‌کننده، نقش نااطمینانی» به این نتیجه رسیدند که میانگین ادراک یا انتظار مصرف‌کنندگان به طور سیستماتیک بالاتر از تورم واقعی است. همچنین ناهمگونی قابل توجهی هم در بین کشورها و هم در بین افراد از نظر سطوح انتظارات تورمی وجود دارد به طوری که حتی مصرف‌کنندگان با پس‌انداز احتیاطی به ترس غیر منطقی از تورم عمل می‌کنند و این مصرف‌کنندگان نامطمئن انتظارات تورمی را بالا برده و باعث به وجود آمدن یک اقتصاد بد می‌شوند.

کویبیون و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «انتظارات تورمی و تصمیمات قطعی؛ شواهد علی جدید» به این نتیجه رسیدند که انتظارات تورمی بر رفتار اقتصادی عوامل اقتصادی مانند بنگاه‌ها و خانوارها به صورت مستقیم تأثیر می‌گذارد و همچنین متوجه شدند که سیاست‌های اتخاذ شده از سوی بانک مرکزی بر این رفتار اقتصادی بی‌تأثیر نمی‌باشد لذا هر گونه تصمیمی از سوی نهادهای مربوطه مستقیماً انتظارات تورمی را هدف قرار خواهد داد. و نحوه ارتباط بانک مرکزی با مردم از طریق ارائه اطلاعات درست می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های آنها در خصوص تورم آتی، تأثیر موفقیت‌آمیزی داشته باشد.

ویدرهولت و ولکوپ^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «انتظارات تورمی و انتخاب خانوارها» به این نتیجه رسیدند که خانوارها انتظارات تورمی خود را در سطح خرد به روزرسانی می‌کنند و افزایش انتظارات تورمی خانوارها در تغییر نگرش آنان بر نحوه ارزش‌گذاری بر کالاها مؤثر بوده و باعث تغییرات در هزینه‌ها می‌شود.

دلیری (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «اثرات تورم و نااطمینانی تورم بر حس شادکامی» به این نتیجه رسیدند که با بررسی پژوهش‌های مختلف صورت گرفته در زمینه تورم، انتظارات تورمی و عوامل مؤثر بر شدت آنها، دریافتند که بروز انتظارات تورمی

می‌تواند بر میزان شادکامی جامعه، تغییرات قیمت انرژی و حمل و نقل موثر باشد. همچنین آنها رسانه‌ها را به عنوان ابزاری موثر بر افکار جامعه که می‌تواند موجب تشدید انتظارات تورمی در آنها شود نیز معرفی کردند.

کاوایانی و فرج‌نیا (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «برآورد انتظارات تورمی، مروری بر اهمیت برآورد انتظارات تورمی و روش‌های اندازه‌گیری آن در ایران» به این نتیجه رسیدند که اهمیت کنترل انتظارات تورمی در سیاست‌گذاری پولی و کنترل تورم سال‌هاست که مورد توجه بانک‌های مرکزی قرار گرفته است. بانک‌های مرکزی کشورهای توسعه یافته دنیا توانسته‌اند با بهره‌گیری از کنترل انتظارات تورمی به واسطه سال‌ها سیاست پولی منظم، نقدینگی را افزایش دهند بدون آن که تورم متناسب با رشد نقدینگی افزایش یابد و این مهم خود دلیلی بر اهمیت کنترل انتظارات تورمی در بلند مدت جهت کنترل تورم نیز می‌باشد.

ابراهیمی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «اثر واردات بر رابطه رشد نقدینگی و تورم آن در کشورهای نفتی» به این نتیجه رسید که هر عاملی مانند: رشد بخش حقیقی اقتصاد و نرخ بهره و عواملی همچون واردات و درآمدهای نفتی موجب تغییر در تقاضای پول شود بر حجم نقدینگی و در نهایت تورم تأثیر بسزایی دارد.

عبداللهی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی دلایل تفاوت درک مردم از تورم و نرخ تورم رسمی» به این نتیجه رسید که با توجه به این موضوع که نرخ تورم بالا در بیش از ۵۰ دهه گذشته به عنوان یکی از مسائل اصلی اقتصاد ایران از آن یاد می‌شود، باید به تحلیل واکنش مردم و بررسی تفاوت درک آنها از نرخ تورم اعلام شده از سوی نهادهای رسمی مانند بانک مرکزی و مرکز آمار و تورم احساس شده از سوی آنها از زندگی روزمره‌ای که با آن مواجه می‌شوند، پرداخت.

رودری و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «سرریز تلاطمات بین نرخ ارز، تورم و نقدینگی در اقتصاد ایران» به این نتیجه رسیدند که عامل اصلی بروز تلاطمات در تورم و نرخ ارز، نقدینگی است و چنانچه تلاطمات کوتاه مدت نقدینگی کنترل نشود می‌تواند تلاطمات شدیدی به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در اقتصاد ایجاد نماید.

علیزاده و مومنی (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «بررسی علل تداوم سیاست‌های تورم‌زا در ایران از منظر سطح تحلیلی توسعه» به این نتیجه رسیدند که تورم یک پدیده پیچیده چند بعدی است و علاوه وجه اندیشه‌ای تگناهای ساختاری، سیاسی، اجتماعی و ... تبعیت سیاست پولی از سیاست‌های مالی، استمرار کسری بودجه و ... می‌تواند به عنوان دلایل و موانع ایجاد و بهبود تورم نیز عمل کند. به طوری که بایستی پدیده تورم را به عنوان یکی از مشکلات اساسی اقتصاد ایران از جنبه‌های مختلف توسعه مورد بررسی قرار دهیم.

نور احمدی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان «فرا تحلیل تاثیر استقلال بانک مرکزی بر تورم» به این نتیجه رسیدند که در کشورهای پیشرفته، استقلال بانک مرکزی به مقدار قابل توجهی تورم را کاهش داده است و هر قدر راهکارهای دیگر مثل هدف گذاری تورم، توسعه بازارهای مالی و ... شرایط مناسبی را برای اثرگذاری استقلال بانک مرکزی بر تورم آماده کند می‌تواند بر میزان کاهش تورم موجود در اقتصاد تاثیر محسوسی داشته باشد.

رضازاده (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «رابطه تورم، نااطمینانی تورم و رشد اقتصادی در ایران: رویکرد غیرخطی مارکوف – سوئیچینگ» به این نتیجه رسید که یک رابطه دو سویه بین تورم و نااطمینانی تورم وجود دارد به طوری که در شرایط تورمی پایین، نااطمینانی تورم کاهش یافته و نرخ تورم روند نزولی را طی کرده است. لذا می‌توان گفت که بین تورم و نااطمینانی حاصل از آن رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به بررسی‌های نشان داده شده از مبانی نظری مشخص گردید که تاکنون در خصوص انتظارات تورمی و تأثیر آن بر زندگی آحاد اقتصادی تحقیقاتی صورت گرفته است. در حالی که عوامل موثر در بروز و تشدید این موضوع نادیده گرفته شده و یا به این مهم پرداخته نشده است.

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، این پژوهش در زمره‌ی مطالعات آمیخته قرار می‌گیرد؛ از این‌رو، لازم است روایی و پایایی ابزارهای گردآوری داده‌ها به تفکیک در بخش‌های کمی و کیفی بررسی و تأیید گردد. در بخش کیفی پژوهش، داده‌ها از طریق مصاحبه‌های حضوری با خبرگان و متخصصان حوزه‌ی مورد نظر گردآوری شده است. در این مصاحبه‌ها، پرسش‌هایی مرتبط با موضوع تحقیق مطرح گردید و پاسخ‌های صریح و کارشناسانه‌ی مشارکت‌کنندگان ثبت شد. پس از تدوین متن مصاحبه‌ها و تحلیل اولیه اطلاعات، روایی و پایایی آن‌ها با استفاده از شاخص روایی نظری و روایی محتوایی ارزیابی خواهد شد. در بخش کمی پژوهش، ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر ماتریس مقایسه‌ی زوجی است که میزان تأثیر هر متغیر ردیف بر متغیر ستون را مشخص می‌سازد. به منظور سنجش میزان اثرگذاری متغیرها، ابتدا از متغیرهای زبانی و سپس از اعداد فازی متناظر با آن‌ها استفاده شده است. ارزیابی روایی و پایایی این پرسش‌نامه نیز با بهره‌گیری از روش روایی محتوا و تحلیل پرسش‌نامه‌ی مقایسات زوجی فازی انجام گرفته است. که پس از استخراج ۳۱ مولفه تعیین‌کننده عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی از مبانی نظری پژوهش، جهت شناسایی تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین آنها، از روش دیمتل فازی و از نرم‌افزار Excel جهت تحلیل داده‌ها در بخش کمی (دیمتل فازی) استفاده شده است.

تکنیک دیمتل^۱ فازی

فرایند تصمیم‌گیری در مسائل زندگی واقعی همواره با سطحی از عدم اطمینان همراه است. بسیاری از این مسائل دارای پیچیدگی‌های قابل‌توجهی هستند و اطلاعات لازم جهت قضاوت دقیق در خصوص آن‌ها ممکن است در دسترس نباشد. به‌منظور کنترل این عدم قطعیت، بهره‌گیری از نظریه مجموعه‌های فازی به‌عنوان یک چارچوب ریاضی جامع توصیه می‌گردد. در این راستا روش دیمتل به عنوان ابزاری مؤثر در تحلیل روابط متقابل میان معیارها مورد استفاده قرار می‌گیرد. تکنیک دیمتل توسط فونتلا و گابوس^۲ در سال ۱۹۷۱ ارائه شد. تکنیک دیمتل که از انواع روش‌های تصمیم‌گیری بر اساس مقایسه‌های زوجی است، با بهره‌مندی از قضاوت خبرگان در استخراج عوامل یک سیستم و ساختاردهی نظام‌مند به آن‌ها با به کارگیری نظریه گراف‌ها، ساختاری سلسله‌مراتبی از عوامل موجود در سیستم همراه با روابط تأثیر و تآثر متقابل ارائه می‌کند. به گونه‌ای که شدت اثر روابط مذکور را به صورت یک امتیاز عددی معین خواهد کرد. این روش با تبدیل تعاملات بین علل و اثرات به یک مدل ساختاری، امکان درک بهتر دینامیک درونی سیستم را فراهم می‌سازد و در پژوهش‌های متعددی به کار گرفته شده است. این روش توانایی تحلیل وابستگی‌های موجود میان متغیرها را داراست و روابطی را محدود می‌سازد که در عین حال بازتاب‌دهنده‌ی ویژگی‌های یک روند کلی نیز می‌باشند (زارع و همکاران، ۱۳۹۵). با این حال، یکی از محدودیت‌های روش دیمتل آن است که قضاوت‌های صورت‌گرفته در ماتریس تصمیم‌گیری، با عدم قطعیت همراه هستند. به منظور غلبه بر این محدودیت، نظریه مجموعه‌های فازی به‌طور گسترده مورد استفاده قرار گرفته است، چرا که این نظریه با ارائه رویکردی انعطاف‌پذیر و دقیق، امکان کاهش ابهام موجود در فرآیند ارزیابی را فراهم می‌آورد که راهبرد پژوهش آن به ترتیب مراحل ذیل صورت می‌گیرد: (۱) شناسایی انتظارات تورمی با مطالعه مبانی نظری و پژوهش‌های گذشته (۲) تدوین پرسشنامه دیمتل فازی و ارسال آن به خبرگان (۳) دریافت نظرات خبرگان (۴) تشکیل ماتریس روابط مستقیم اولیه فازی (۵) نرمال کردن ماتریس روابط مستقیم فازی (۶) محاسبه ماتریس روابط کل فازی (۷) محاسبه مقادیر $(D+R)/D-R$ (۸) ترسیم نقشه علت و معلولی (۹) تعیین حد آستانه و ترسیم روابط.

یافته‌های پژوهش

توصیف جمعیت‌شناختی

در جدول شماره ۱ اطلاعات جمعیت‌شناختی اعضای خبرگان، مدیران و اساتید ارائه شده است.

1. Dematel

2. Fontela & Gabus

جدول شماره ۱: اطلاعات جمعیت شناختی

فرآوانی	گویه‌ها	
۶	زن	جنسیت
۱۱	مرد	
۲	کارشناسی ارشد	تحصیلات
۱۵	دکتری	
۳	کمتر از ۱۰ سال	سابقه کاری
۱۲	بین ۱۱ تا ۲۰ سال	
۲	بالتر از ۲۰ سال	
۲	مدیران	سمت سازمانی
۲	دانشیار	
۱۳	استادیار	

منبع: یافته‌های پژوهش

در بخش کیفی، این پژوهش با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی و بر اساس اشباع داده انجام شده است. به طوری که بر اساس کفایت نظری ۱۷ نفر از خبرگان در حوزه‌های اقتصادی، پولی و بانکی به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند. از آن جایی که افراد منتخب بایستی اشراف کامل به موضوع مورد پژوهش داشته باشند، پس اعضای پژوهش از میان اساتید و مدیران متخصص نیز انتخاب شده‌اند. ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کیفی یک مصاحبه نیمه ساختاریافته بود که بخشی از آن به صورت حضوری و بخشی دیگر از راه‌های ارتباطی مانند تلفن و رایانامه (ایمیل) صورت پذیرفت و سؤالات مصاحبه بر اساس پیشینه نظری موضوع پژوهش مطرح و در اختیار اساتید حوزه اقتصاد قرار گرفته که بعد از تایید ایشان، سؤالات جهت انجام فرایند مصاحبه با خبرگان مطرح شده است به صورتی که بعد از انجام مصاحبه با خبرگان، از مصاحبه چهاردهم به بعد مفهوم جدیدی حاصل نشده و روند انجام مصاحبه با تعداد اعضای نمونه مورد نظر به پایان رسید سپس با تهیه متنی جامع از پاسخ خبرگان، مولفه‌های مورد نظر جهت کدگذاری و ادامه مراحل پژوهش نیز استخراج گردید. همچنین روایی و پایایی ابزار گردآوری داده‌ها در بخش کمی روایی اعتبار محتوا و پایایی باز آزمون بود که در ادامه به شرح زیر توضیح داده شده است.

یافته‌های کیفی

همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، پژوهش حاضر در زمره‌ی مطالعات آمیخته قرار دارد؛ از این‌رو، ضروری است که روایی و پایایی ابزارهای گردآوری داده‌ها به صورت مجزا در دو بخش کمی و کیفی مورد بررسی قرار گیرد. در بخش کیفی، روایی و پایایی مصاحبه‌های انجام‌شده از طریق شاخص‌های روایی نظری و محتوایی و همچنین با اتکا به کدگذاری داده‌ها ارزیابی شده است. برای سنجش روایی نظری و محتوایی، از آزمون‌های روایی و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها بهره گرفته شد. در این فرآیند سؤالات مطرح شده در مصاحبه‌ها با پیشینه و ادبیات نظری مستخرج از مقالات و پژوهش‌های حوزه اقتصادی و بانکی مقایسه شدند و بر اساس ارزیابی اساتید متخصص، از همبستگی و هم‌راستایی مطلوبی با موضوع برخوردار بودند. همچنین، به منظور سنجش پایایی ابزار گردآوری داده‌های کیفی، با توجه به اینکه تحلیل داده‌ها بر مبنای رویکرد کدگذاری انجام شده، از روشی مناسب در این زمینه استفاده گردید. به این ترتیب، پس از انجام مصاحبه با خبرگان، داده‌های حاصل کدگذاری شده و با مقایسه و تحلیل نتایج کدگذاری توسط چندین کدگذار متخصص، میزان پایایی ابزار تأیید شد. در بخش کمی پژوهش نیز، جهت گردآوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ای مبتنی بر مقایسه‌های زوجی با رویکرد دیمتل فازی و بر پایه‌ی کدگذاری دقیق بهره‌گیری شده است. به منظور سنجش روایی این پرسش‌نامه، روایی محتوا و نظرات کارشناسان آشنا با موضوع لحاظ گردید. افزون بر این، پس از

انجام مصاحبه‌های حضوری و تدوین پاسخ‌های جامع خبرگان، سؤالاتی به منظور شناسایی هدفمند مؤلفه‌های مدنظر مطرح گردید که ضمن هم‌راستایی با اهداف پژوهش، باعث گردید مشارکت‌کنندگان علاوه بر ارائه‌ی تحلیل‌های گسترده در خصوص موضوع، نکات کلیدی و قابل‌توجهی را نیز بیان نمایند.

سوال ۱: تأثیر انتظارات تورمی در ایران بر تصمیمات اقتصادی افراد چگونه حادث می‌شود؟

سوال ۲: چه عواملی زمینه‌ساز بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران است؟

سوال ۳: نشانه‌های آشکار بروز انتظارات تورمی در اقتصاد ایران چیست؟

سوال ۴: انتظارات تورمی از چه طریقی مسائل اجتماعی در جامعه را به تبعیت از وضعیت اقتصادی دچار تحول می‌کند؟

سوال ۵: پیامدهای انتظارات تورمی در ایران برای فعالان اقتصادی چیست؟

در جدول شماره ۲ نمونه‌ای از مصاحبه‌ی انجام شده با دو نفر از خبرگان که طبق سوالات فوق صورت گرفته جهت آشنایی بیشتر آورده شده است.

جدول شماره ۲: نمونه‌ای از مصاحبه‌ی انجام شده

سؤالات مصاحبه	مؤلفه‌های شناسایی شده
<p>خبره ۱</p> <p>سوال ۱: تأثیر انتظارات تورمی در ایران بر تصمیمات اقتصادی افراد چگونه حادث می‌شود؟ افزایش تقاضا برای کالاها، کاهش تمایل به پس انداز و افزایش تمایل به خرید دارایی - های امن مانند طلا و ارز، تغییر در الگوی مصرف و اولویت‌بندی کالاهای ضروری، کاهش اعتماد به سیاست‌های اقتصادی دولت، افزایش رفتارهای سفته‌بازی در بازارهای مالی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • عدم اعتماد مردم به سیاست‌های اعلامی دولت • تغییر در سبک و رفتار مصرفی عمومی
<p>سوال ۲: چه عواملی زمینه‌ساز بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران است؟ سیاست‌های پولی و مالی انبساطی و افزایش نقدینگی، تحولات سیاسی و بی‌ثباتی در سیاست‌گذاری اقتصادی، سابقه تورم‌های مزمن و طولانی مدت، کاهش ارزش پول ملی، نوسانات نرخ ارز، وابستگی بالای اقتصاد به درآمدهای نفتی</p>	<ul style="list-style-type: none"> • نوسانات حجم نقدینگی • وابستگی به درآمدهای نفتی • تجربه تورم‌های گذشته
<p>سوال ۳: نشانه‌های آشکار بروز انتظارات تورمی در اقتصاد ایران چیست؟ افزایش تقاضا برای کالاها، بادوام و سرمایه‌ای، افزایش قیمت دارایی‌هایی مانند مسکن، طلا و ارز، افزایش تقاضا برای کالاهای اساسی و ذخیره آنها توسط مردم، رشد سریع شاخص‌های بازار سرمایه، افزایش درخواست‌ها برای افزایش دستمزدها، کاهش تمایل به سپرده‌گذاری در بانک‌ها</p>	<ul style="list-style-type: none"> • رشد سریع و گاه‌کاذب شاخص‌های بازار سرمایه • فشار برای افزایش حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار • عدم نگهداری سپرده‌های بانکی توسط مردم
<p>سوال ۴: انتظارات تورمی از چه طریقی مسائل اجتماعی در جامعه را به تبعیت از وضعیت اقتصادی دچار تحول می‌کند؟ کاهش اعتماد عمومی به نهادهای اقتصادی و دولتی، افزایش نابرابری و شکاف طبقاتی، گسترش فقر و کاهش رفاه عمومی، تشدید مهاجرت نخبگان و سرمایه‌های انسانی، افزایش تنش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی، بروز رفتارهای هیجانی و کوتاه مدت در جامعه</p>	

ادامه جدول شماره ۲

سؤالات مصاحبه	مؤلفه‌های شناسایی شده
<p>سوال ۵: پیامدهای انتظارات تورمی در ایران برای فعالان اقتصادی چیست؟ افزایش هزینه‌های تولید و کاهش حاشیه سود، کاهش سرمایه‌گذاری‌های بلند مدت و افزایش سرمایه‌گذاری‌های کوتاه مدت، افزایش نرخ بهره و هزینه تامین مالی، ناتوانی در برنامه‌ریزی مالی و اقتصادی بلند مدت، کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها در بازارهای داخلی و بین‌المللی، افزایش رفتارهای سفته‌بازی به جای تولید و سرمایه‌گذاری موثر</p>	
خبره ۲:	

سوال ۱: تاثیر انتظارات تورمی در ایران بر تصمیمات اقتصادی افراد چگونه حادث می‌شود؟
انتظارات تورمی بیانگر این است که مردم و عاملان اقتصادی به سیاست‌های پولی و مالی دولت چگونه نگاه می‌کنند. این امر باعث می‌شود، بخش زیادی از تورم آتی ناشی از انتظارات تورمی امروز باشد. پژوهش‌های مختلف استدلال می‌کنند که تورم پدیده‌ای خود محقق شونده است؛ یعنی تصویری که افراد نسبت به تورم دارند پس از مدتی به وقوع می‌پیوندد، چراکه خانوارها تصمیمات مصرفی خود را بر همان مبنای می‌گیرند، عرضه‌کنندگان و فروشندگان بر همین اساس تولیدات و خدمات خود را عرضه می‌کنند و به فروش می‌رسانند و مزد بگیران بر همین اساس دیدگاه جمعی به دنبال بستن قرارداد کاری خود هستند. بنابراین در کل بخش اعظم تصمیمات مصرفی و تولیدی عاملان اقتصادی در زمان فعلی مبتنی بر نگاه آنها نسبت به انتظارات تورمی است.

سوال ۲: چه عواملی زمینه ساز بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران است؟
شاید مهم‌ترین عامل در بروز تورم انتظاری در ایران، تصمیمات شتابزده دولت، عدم اعتماد به برنامه‌ها و سیاست‌های اعلامی، شرایط تحریمی، نوسانات شدید در بازار کالاهای معیار همچون طلا و نرخ ارز به ویژه دلار و اتکای شدید مردم به داده‌های گذشته و حال است.

- تصمیمات شتابزده دولتی در خصوص نرخ ارز
- وضع تحریم‌های اقتصادی
- عدم اعتماد مردم به سیاست‌های اعلامی دولت
- همبستگی بین بازارهای متعدد

سوال ۳: نشانه‌های آشکار بروز انتظارات تورمی در اقتصاد ایران چیست؟
افزایش تقاضای مصرفی، هجوم و ایجاد تقاضای شدید در انواع بازارها به ویژه بازارهای مالی و دارایی همچون طلا، دلار و خودرو، عدم نگهداری سپرده‌های ریالی توسط افراد، شکل‌گیری صف در دریافت وام‌های بانکی، کاهش سرمایه‌گذاری در اقتصاد و ...

- کاهش تمایل به پس انداز ریالی
- شکل‌گیری صف در دریافت وام از بانک‌ها

سوال ۴: انتظارات تورمی از چه طریقی مسائل اجتماعی در جامعه را به تبعیت از وضعیت اقتصادی دچار تحول می‌کند؟

خود معضل تورم می‌تواند زمینه ساز کلی پدیده منفی اجتماعی باشد. قطعاً تورم انتظاری هم به همین ترتیب اثر منفی خودش را به دنبال دارد و به طور مشخص می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

افزایش فعالیت‌های سوداگرانه در جامعه - کاهش سرمایه اجتماعی - کاهش حس کمک و همیاری - ناامیدی نسبت به آینده - ایجاد یاس و سرخوردگی در اقشار ضعیف جامعه به ویژه حقوق بگیران و کارگران و ...

سوال ۵: پیامدهای انتظارات تورمی در ایران برای فعالان اقتصادی چیست؟
در مورد فعالان اقتصادی می‌توان از جنبه خانوارها، بنگاه‌ها، موسسات مالی و دولت به مسئله تورم انتظاری نگاه کرد. قطعاً برای خانوارها تورم انتظاری منجر به افزایش مخارج مصرفی حال و تقلا برای تبدیل پس انداز ریالی به دارایی و طلا و ارز شده است. از جنبه بنگاه‌ها، رفتن به سوی تاخیر در عرضه و فروش محصولات، خردی و انبار مواد اولیه و دستیابی به هر طریق به وام‌ها و وجوهات در زمان حال.

- تاخیر در عرضه و فروش محصولات از سوی بنگاه‌ها
- احتکار مواد اولیه

منبع: یافته‌های پژوهش

سپس در جدول شماره ۳ مولفه‌های لازم از مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان در خصوص تاثیرگذارترین و تاثیرپذیرترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی استخراج شده و جهت استفاده در بخش کمی این پژوهش ارائه شده است.

جدول شماره ۳: عوامل موثر بر بروز و تشدید انتظارات تورمی استخراج شده از مصاحبه

ردیف	عوامل	کد	ردیف	عوامل	کد
۱	نوسانات حجم نقدینگی	C1	۱۷	تصمیمات شتابزده دولتی در خصوص نرخ ارز	C17
۲	عدم استقلال بانک مرکزی	C2	۱۸	عدم نگهداری سپرده‌های بانکی توسط مردم	C18

C19	شکل گیری صف در دریافت وام از بانک ها	۱۹	C3	تنش در روابط بین الملل	۳
C20	تاخیر در عرضه و فروش محصولات از سوی بنگاه ها	۲۰	C4	فضای چند قطبی سیاسی	۴
C21	احتکار مواد اولیه	۲۱	C5	وضع تحریم‌های اقتصادی	۵
C22	کاهش تمایل به پس انداز ریالی	۲۲	C6	انتظارات تعارضی	۶
C23	بحران‌های منطقه ای	۲۳	C7	رفتارهای تکانشی از سوی عوامل اقتصادی	۷
C24	وابستگی به درآمدهای نفتی	۲۴	C8	رفتارهای تکانشی از سوی مردم	۸
C25	رشد سریع و گاه‌ها کاذب شاخص‌های بازار سرمایه	۲۵	C9	ساختارهای نهادی ضعیف	۹
C26	فشار برای افزایش حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار	۲۶	C10	عدم انضباط مالی دستگاه‌های دولتی	۱۰
C27	تأثیرپذیری اقشار مختلف جامعه از رسانه و اخبار	۲۷	C11	تضعیف سرمایه اجتماعی	۱۱
C28	رانت‌های اطلاعاتی	۲۸	C12	عدم اعتماد مردم به سیاست‌های اعلامی دولت	۱۲
C29	همبستگی بین بازارهای متعدد	۲۹	C13	عدم شفافیت مالی دولت	۱۳
C30	بروز شوک‌های سیاسی و اجتماعی	۳۰	C14	عدم مشارکت عمومی در سیاست‌های دولتی	۱۴
C31	افزایش دسترسی عمومی به شبکه‌های اجتماعی	۳۱	C15	تجربه تورم‌های گذشته	۱۵
			C16	تغییر در سبک و رفتار مصرفی عمومی	۱۶

منبع: یافته‌های پژوهش

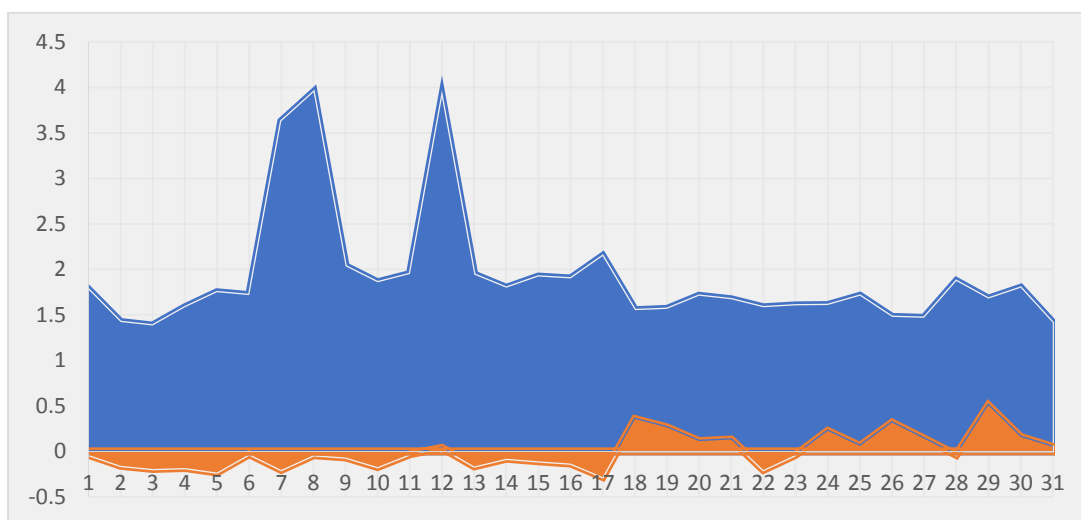
در جدول شماره ۳، مولفه‌های اثرگذار و اثرپذیر از نظر خبرگان دسته‌بندی شده و از نظر آنها این مولفه‌های کلیدی از مهم‌ترین‌ها به شمار می‌روند.

تحلیل یافته‌های کمی

در بخش کمی از تکنیک دیمتل فازی استفاده شده که در ادامه به صورت خلاصه مراحل این روش به همراه تحلیل اطلاعات مربوط به آن ارائه شده است. همچنین در این بخش از روش CR یا همان تحلیل حساسیت استفاده گردید که با حذف چند عامل از مولفه‌های شناسایی شده و استفاده از سایر مولفه‌ها به عنوان متغیرهای ورودی دوباره همان نتایج حاصل گردید.

مرحله اول: انتخاب تعدادی از خبرگان

جامعه‌ی آماری این پژوهش را خبرگان آشنا با موضوع «انتظارات تورمی» تشکیل می‌دهند که از دیدگاه‌های تخصصی آنان برای شناسایی عوامل کلیدی و تعیین روابط علت و معلولی میان مؤلفه‌های مدنظر استفاده خواهد شد. این خبرگان شامل گروهی از اساتید دانشگاه، مدیران، و کارشناسان حوزه‌های پولی و بانکی هستند که دارای دانش و تجربه‌ی مرتبط با موضوع پژوهش می‌باشند. در این تحقیق، به‌منظور انتخاب اعضای نمونه، از روش نمونه‌گیری هدفمند بهره گرفته شده است.



نمودار شماره ۱: تاثیرگذارترین و تاثیرپذیرترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی (منبع: یافته‌های پژوهش)

مرحله دوم: توسعه معیارهای ارزیابی و طراحی مقیاس فازی

در این مرحله، یک ماتریس مقایسه‌ی زوجی فازی طراحی می‌شود که هدف آن سنجش میزان تأثیر هر متغیر ردیفی بر متغیر ستونی مقابل با بهره‌گیری از متغیرهای زبانی مندرج در جدول شماره ۴ است. این جدول شامل مقیاس‌های زبانی، کدهای متناسب و اعداد فازی متناظر با هر مقیاس می‌باشد. در ماتریس اولیه، مقدار موجود در قطر اصلی برابر با صفر در نظر گرفته می‌شود؛ چرا که هر عامل تأثیر مستقیمی بر خودش ندارد. بر این اساس، برای مقایسه‌ی معیارها با یکدیگر، از پنج عبارت کیفی استفاده شده است که در جدول شماره ۴ ارائه شده‌اند. در واقع طبق جدول شماره ۴ خبرگان پرسشنامه‌ی مربوط به مولفه‌ها را کدگذاری کرده‌اند.

جدول شماره ۴: متغیرهای زبانی فازی مثلثی

اعداد فازی	کد	متغیر زبانی
(۰ و ۰ و ۰/۲۵)	۰	بدون تأثیر
(۰ و ۰/۲۵ و ۰/۵)	۱	تأثیر بسیار کم
(۰/۲۵ و ۰/۵ و ۰/۷۵)	۲	تأثیر کم
(۰/۵ و ۰/۷۵ و ۱)	۳	تأثیر زیاد
(۰/۷۵ و ۱ و ۱)	۴	تأثیر بسیار زیاد

منبع: یافته‌های پژوهش

تشکیل ماتریس مستقیم ارتباط اولیه

سپس پرسشنامه‌های تکمیل شده، جمع‌آوری و نظرات خبرگان با استفاده از رابطه زیر تجمیع و محاسبه شده است (مداح و مهرپرور، ۱۴۰۰).

$$\hat{Z} = (\hat{Z}_{ij})_{n \times n} = \left(\frac{\hat{Z}_{ij1} + \hat{Z}_{ij2} + \dots + \hat{Z}_{ijk}}{K} \right)$$

جدول شماره ۵: نمونه‌ای از پرسشنامه مقایسه‌ی زوجی خبرگان

۳۱	۳۰	...	۳	۲	۱	خبره ۱
۵	۳	...	۴	۳	۱	۱
۵	۴	...	۴	۱	۲	۲
۴	۲	...	۱	۴	۲	۳
...
۳	۱	...	۴	۳	۳	۳۰
۱	۲	...	۴	۴	۴	۳۱
۳۱	۳۰		۳	۲	۱	خبره ۲
۲	۱	...	۳	۳	۳	۱
			۱	۱	۲	۲
۲	۲		۲	۳	۳	۳
...
۴	۴		۳	۳	۳	۳۰
۴	۲		۳	۳	۲	۳۱

منبع: یافته‌های پژوهش

ماتریس میانگین نظرات خبرگان (ماتریس فازی روابط مستقیم اولیه)، در مورد تأثیر مولفه‌های موثر بروز و تشدید انتظارات تورمی بر یکدیگر در ماتریس ذیل آورده شده است:

$$\hat{Z}_k = (\hat{Z}_{ijk})_{n \times n} = \begin{pmatrix} 0 & \hat{Z}_{12k} & \cdot & \cdot & \cdot & \hat{Z}_{1nk} \\ \hat{Z}_{21k} & 0 & \cdot & \cdot & \cdot & \hat{Z}_{2nk} \\ \cdot & & 0 & & & \cdot \\ \cdot & & & \cdot & & \cdot \\ \cdot & & & & \cdot & \cdot \\ \hat{Z}_{n1k} & \hat{Z}_{n2k} & \cdot & \cdot & \cdot & 0 \end{pmatrix}$$

جدول شماره ۶: ماتریس میانگین نظرات خبرگان

۳۱	۳۰	۲۹	...	۳	۲	۱	میانگین
۰/۷۵	۱/۲۵	۱/۲۵	..	۰/۸۷۵	۱/۱۲۵	۰	۱
۰/۶۲۵	۰/۸۷۵	۱/۲۵	...	۱	۰	۱/۵	۲
۱	۱/۵	۱/۲۵	...	۰	۰/۸۷۵	۱/۳۷۵	۳
...
۰/۷۵	۰/۷۵	۰	...	۰/۸۷۵	۰/۸۷۵	۱/۱۲۵	۲۹
۱	۰	۱	...	۰/۸۷۵	۱/۱۲۵	۱/۱۲۵	۳۰
۰	۱/۵	۱/۲۵	...	۰/۸۷۵	۰/۸۷۵	۰/۸۷۵	۳۱

منبع: یافته‌های پژوهش

نرمال‌سازی ماتریس فازی روابط مستقیم

برای نرمالیزه کردن ماتریس فازی روابط مستقیم، از رابطه‌هایی که در ادامه آورده شده است نیز استفاده می‌کنیم:

$$\hat{X} = (\hat{X}_{ij})_{n \times n} = \begin{pmatrix} \hat{X}_{11} & \hat{X}_{12} & \cdot & \cdot & \cdot & \hat{X}_{1n} \\ \hat{X}_{21} & \hat{X}_{22} & \cdot & \cdot & \cdot & \hat{X}_{2n} \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \hat{X}_{n1} & \hat{X}_{n2} & \cdot & \cdot & \cdot & \hat{X}_{nn} \end{pmatrix}$$

$$\hat{X}_{ij} = \frac{\hat{Z}_{ij}}{r} = \left(\frac{L_{ij}}{r}, \frac{M_{ij}}{r}, \frac{U_{ij}}{r} \right), r = \max_{1 \leq i \leq n} \left(\sum_j^n 1^{U_{ij}} \right)$$

جدول شماره ۷: ماتریس نرمال شده

۳۱	۳۰	۲۹	...	۳	۲	۱	ماتریس نرمال شده
۰/۰۰۷۳۸	۰/۰۱۲۳	۰/۰۱۲۳	...	۰/۰۰۸۶۱	۰/۰۱۱۰۷	۰	۱
۰/۰۰۶۱۵	۰/۰۰۸۶۱	۰/۰۱۲۳	...	۰/۰۰۹۸۴	۰	۰/۰۱۴۷۶	۲
۰/۰۰۹۸۴	۰/۰۱۴۷۶	۰/۰۱۲۳	...	۰	۰/۰۰۸۶۱	۰/۰۱۳۵۳	۳
		
۰/۰۰۷۳۸	۰/۰۰۷۳۸	۰	...	۰/۰۰۸۶۱	۰/۰۰۸۶۱	۰/۰۱۱۰۷	۲۹
۰/۰۰۹۸۴	۰	۰/۰۰۹۸۴	...	۰/۰۰۸۶۱	۰/۰۱۱۰۷	۰/۰۱۱۰۷	۳۰
۰	۰/۰۱۴۷۶	۰/۰۱۲۳	...	۰/۰۰۸۶۱	۰/۰۰۸۶۱	۰/۰۰۸۶۱	۳۱

منبع: یافته‌های پژوهش

ماتریس X ماتریس فازی روابط مستقیم نرمال شده نامیده می‌شود. می‌توان هر یک از حدود پایین، وسط و بالای عدد فازی را در قالب یک ماتریس جداگانه به صورت زیر نمایش داد:

$$X_l = \begin{pmatrix} 0 & L'_{12} & \cdot & \cdot & \cdot & L'_{1n} \\ L'_{21} & 0 & \cdot & \cdot & \cdot & L'_{2n} \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ L'_{n1} & L'_{n2} & \cdot & \cdot & \cdot & 0 \end{pmatrix}$$

$$X_u = \begin{pmatrix} 0 & U'_{12} & \cdot & \cdot & \cdot & U'_{1n} \\ U'_{21} & 0 & \cdot & \cdot & \cdot & U'_{2n} \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ U'_{n1} & U'_{n2} & \cdot & \cdot & \cdot & 0 \end{pmatrix}$$

$$X_m = \begin{pmatrix} 0 & M'_{12} & \cdot & \cdot & \cdot & M'_{1n} \\ M'_{21} & 0 & \cdot & \cdot & \cdot & M'_{2n} \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ M'_{n1} & M'_{n2} & \cdot & \cdot & \cdot & 0 \end{pmatrix}$$

محاسبه ماتریس فازی روابط کل

ماتریس T روابط کل بین زوج‌ها را نشان می‌دهد و به صورت زیر محاسبه می‌گردد:

$$\hat{T} = \lim_{k \rightarrow \infty} (\hat{X}^1 + \hat{X}^2 + \dots + \hat{X}^k)$$

$$\hat{T} = \begin{pmatrix} \hat{t}_{11} & \hat{t}_{12} & \cdot & \cdot & \cdot & \hat{t}_{1n} \\ \hat{t}_{21} & \hat{t}_{22} & \cdot & \cdot & \cdot & \hat{t}_{2n} \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot & \cdot \\ \hat{t}_{n1} & \hat{t}_{n2} & \cdot & \cdot & \cdot & \hat{t}_{nn} \end{pmatrix}$$

$$\hat{t}_{ij} = (I''_{ij}, m''_{ij}, u''_{ij}) \text{ and } [I''_{ij}] = X_1 \times (I - X_I)^{-1}, [m''_{ij}] = X_m \times (I - X_m)^{-1}, [u''_{ij}] = X_H \times (I - X_H)^{-1}$$

در این فرمول‌ها I ماتریس یکه است و XM، XL و XU هر کدام ماتریس m*n هستند که درایه‌های آن را به ترتیب عدد پایین، عدد میانی و عدد بالایی اعداد فازی مثلثی ماتریس X تشکیل می‌دهد.

جدول شماره ۸: ماتریس یکه

۳۱	۳۰	۲۹	...	۳	۲	۱	ماتریس یکه
.	۱	۱
.	۱	.	۲
.	۱	.	.	۳
...
.	.	۱	۲۹
.	۱	۳۰
۱	۳۱

منبع: یافته‌های پژوهش

بعد از ماتریس روابط کل بین زوج‌ها (T)، ماتریس دیفازی شده با توجه جدول شماره ۹ ارائه می‌گردد. ماتریس دیفازی شده از ماتریس روابط کل یعنی T به دست می‌آید و از آن جهت تحلیل و بررسی موضوع مورد نظر استفاده می‌شود.

جدول شماره ۹: ماتریس روابط کل بین زوج‌ها (T)

T	۱	۲	۳	...	۲۹	۳۰	۳۱
۱	۰/۰۰۵۸۹۶	۰/۰۰۹۱۲۱	۰/۰۱۳۱۴	...	۰/۰۱۷۵۹۹	۰/۰۱۸۵۹۵	۰/۰۱۲۳۳۹
۲	۰/۰۱۹۹۳۳	۰/۰۰۱۵۸۵	۰/۰۱۳۹۳۲	...	۰/۰۱۷۱۱۸	۰/۰۱۴۳۸۵	۰/۰۱۰۶۳۴
۳	۰/۰۱۸۷۵۷	۰/۰۰۶۴۸۵	۰/۰۰۴۲۶	...	۰/۰۱۷۱۵۶	۰/۰۲۰۴۶۴	۰/۰۱۴۳۳۴
...
۲۹	۰/۰۱۵۶۴	۰/۰۱۲۴	۰/۰۱۲۲۲۳	...	۰/۰۰۴۳۷۲	۰/۰۱۲۵۰۵	۰/۰۱۱۳۳۹
۳۰	۰/۰۱۶۵۳۹	۰/۰۱۵۵۸۴	۰/۰۱۲۹۳۹	...	۰/۰۱۴۹۱۷	۰/۰۰۶۱۱	۰/۰۱۴۴۸۳
۳۱	۰/۰۱۳۵۶۹	۰/۰۱۲۷۰۱	۰/۰۱۲۴۳۴	...	۰/۰۱۶۸۲۵	۰/۰۲۰۰۴۱	۰/۰۰۴۲۷۹

منبع: یافته‌های پژوهش

به دست آوردن مجموع سطرها و ستون‌های ماتریس T

این مرحله، برای به دست آوردن مجموع سطرها (R) و ستون‌های (D) ماتریس روابط کل فازی استفاده می‌شود. که مجموع سطرها و ستون‌ها هم با توجه به فرمول‌های زیر محاسبه می‌شود با استفاده از مقادیر (D+R) و (D-R)، که در آن D مجموع ستون‌ها و R مجموع سطرها در ماتریس T است، سطح تاثیرگذاری بر عوامل دیگر و سطح روابط با عوامل دیگر را نشان می‌دهد. برخی از معیارها دارای مقادیر (ارزش‌های) مثبتی D R هستند، بنابراین معیارهای دیگر را تا حد زیادی تحت تاثیر قرار می‌دهند، این معیارها به عنوان توزیع‌کننده نامیده می‌شوند. برخی دیگر دارای مقادیر منفی از D R هستند و به شدت تحت تاثیر دیگر معیارها قرار می‌گیرند و گیرنده هستند (مداح و مهرپرور، ۱۴۰۰). با استفاده از این معادلات یک دستگاه مختصات دکارتی ترسیم می‌شود، در این دستگاه، محور طولی مقادیر D+R و D-R محور عرضی است.

$$T = (t_{ij})_{n \times n}, i, j \in \{1, 2, \dots, n\}$$

$$D = \left(\sum_{j=1}^n t_{ij} \right)_{n \times 1} = (t_i)_{n \times 1}$$

$$R = \left(\sum_{j=1}^n t_{ij}^2 \right)_{1 \times n} = (t_i)_{n \times 1}$$

جمع مقادیر عناصر ستون D و عناصر ستون R برای هر عامل، بیانگر میزان تاثیرگذاری و تاثیرپذیری آن عامل در ارتباط با سایر عوامل سیستم می‌باشد. بر اساس نتایج مندرج در جدول شماره ۸، عواملی نظیر «عدم اعتماد عمومی به سیاست‌های اعلامی دولت»، «عدم تمایل به نگهداری سپرده‌های بانکی»، «شکل‌گیری صف در دریافت وام»، «تأخیر در عرضه و فروش کالا از سوی بنگاه‌ها»، «احتکار مواد اولیه»، «وابستگی شدید به درآمدهای نفتی»، «رشد سریع و در مواردی کاذب شاخص‌های بازار سرمایه»، «فشار بر شورای عالی کار برای افزایش حداقل دستمزد»، «تأثیرپذیری اقشار مختلف جامعه از رسانه‌ها و اخبار»، «همبستگی میان بازارهای متعدد»، «بروز شوک‌های اجتماعی و سیاسی» و «افزایش دسترسی به شبکه‌های اجتماعی» از جمله متغیرهایی هستند که بیش‌ترین میزان تاثیرگذاری را دارا می‌باشند. از این‌رو، لازم است این عوامل در تحلیل‌های بعدی به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرند تا بتوان از طریق شناسایی دقیق آن‌ها، زمینه‌ای مناسب برای درک روند بروز و تشدید انتظارات تورمی فراهم آورد. از سوی دیگر، مجموعه‌ای از عوامل نظیر «نوسانات حجم نقدینگی»، «عدم استقلال بانک

مرکزی»، «تنش در روابط بین الملل»، «ساختار سیاسی چندقطبی»، «تحریم‌های اقتصادی»، «وجود انتظارات تعارضی»، «بروز رفتارهای هیجانی از سوی عوامل اقتصادی و عمومی»، «ضعف در ساختارهای نهادی»، «عدم انضباط مالی در دستگاه‌های دولتی»، «کاهش سرمایه اجتماعی»، «شفاف نبودن وضعیت مالی دولت»، «مشارکت محدود عمومی در سیاست‌گذاری»، «تجربه‌های تاریخی تورم»، «تغییرات در الگوی مصرف خانوار»، «تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده در مورد نرخ ارز»، «کاهش میل به پس‌انداز ریالی»، «بحران‌های منطقه‌ای» و «رانت‌های اطلاعاتی» به‌عنوان متغیرهای تأثیرپذیر شناخته شده‌اند. این عوامل عمدتاً بازتاب‌دهنده‌ی تأثیرپذیری از محیط کلان اقتصادی و شرایط ناشی از متغیرهای اثرگذار هستند. در حقیقت، می‌توان چنین استنباط کرد که مؤلفه‌های تأثیرپذیر، به‌عنوان محصول شرایط حاصل از عملکرد مؤلفه‌های اثرگذار عمل می‌کنند و در اثر این تعامل، نه تنها خود آن‌ها بلکه سایر متغیرهای مرتبط نیز دچار تغییر می‌گردند. این فرآیند به‌صورت یک زنجیره‌ی پویای علی-معلولی در ساختار اقتصاد نمود می‌یابد و در تشدید انتظارات تورمی نقش ایفا می‌کند (سی و همکاران، ۲۰۱۸). مطالعه موردی حاضر نیز نشان می‌دهد که متغیرهایی نظیر «همبستگی میان بازارهای مختلف»، «رفتارهای هیجانی مردم» و «عدم اعتماد به سیاست‌های دولت»، تعامل بالایی با سایر عوامل داشته و نقشی کلیدی در تبیین سازوکار بروز انتظارات تورمی ایفا می‌کنند. در نهایت، تحلیل این مؤلفه‌ها مستلزم بررسی تحولات ساختاری، رخدادهای خاص اقتصادی و جزئیات نهفته در بستر اقتصاد کلان است. نوسانات شدید یا افت و خیزهای مقطعی (حداکثرها و حداقل‌ها) در این شاخص‌ها نیز می‌تواند بازتاب‌دهنده‌ی وضعیت ثبات یا بی‌ثباتی اقتصاد و متعاقباً انتظارات تورمی در بازه‌های زمانی مختلف باشد. باید توجه داشت که عوامل درون‌زا و برون‌زای خارج از کنترل که بر این فرآیند اثرگذارند، در صورت وقوع، امکان برهم‌زدن تعادل موجود را دارند و گاه بازگشت به شرایط پیشین دشوار و زمان‌بر خواهد بود. بنابراین، در کنار تحلیل‌های آماری و مدلسازی، توجه به این سطوح از پیچیدگی و پویایی، برای پژوهش‌های پیش‌رو نیز حائز اهمیت فراوان خواهد بود.

جدول شماره ۱۰: ماتریس دیفازی شده

ماتریس فازی	۱	۲	۳	...	۲۹	۳۰	۳۱	R
۱	۰/۰۰۶۸۹۷	۰/۰۲۶۲۳۷	۰/۰۱۷۸۹	...	۰/۰۳۷۳۳۶	۰/۰۳۵۴۴۳	۰/۰۱۶۲۱۶	۰/۰۷۷۲۵
۲	۰/۳۹۰۵۸	۰/۰۰۴۶۰۴	۰/۰۲۴۹۸۸	...	۰/۰۳۲۵۴۸	۰/۰۱۹۱۰۲	۰/۰۱۳۹۲۴	۰/۷۸۹۶۷۲
۳	۰/۰۳۵۰۱۶	۰/۰۱۷۷۶۲	۰/۰۰۴۲۸۴	...	۰/۰۳۵۶۰۶	۰/۰۳۸۹۱۱	۰/۰۲۳۲۹۷	۰/۷۸۷۶۹۵
...
۲۹	۰/۰۲۵۶۴۴	۰/۰۱۶۶۵۲	۰/۰۱۶۴۵۷	...	۰/۰۰۴۹۱۵	۰/۰۱۳۸۶۱	۰/۰۱۴۱۴۵	۰/۵۸۴۸۷۶
۳۰	۰/۰۲۷۳۱۳	۰/۰۲۵۸۳۶	۰/۰۱۷۵۵۷	...	۰/۰۲۴۸۱۲	۰/۰۰۶۰۶۹	۰/۰۲۳۷۱۳	۰/۸۱۹۸۹۸
۳۱	۰/۰۱۸۴۰۴	۰/۰۱۷۱۷۲	۰/۰۱۶۷۱۴	...	۰/۰۳۲۱۱۸	۰/۰۳۸۱۱۸	۰/۰۰۵۲۳۷	۰/۶۸۱۶۱۵
D	۰/۸۷۰۸۴۲	۰/۶۳۲۲۶۷	۰/۵۹۵۴۳۴	...	۱/۰۹۴۰۲۸	۰/۹۷۹۹۱۸	۰/۷۳۳۵۶۳	-

منبع: یافته‌های پژوهش

در جدول شماره ۱۱ مقادیر D+R و D-R به صورت تفکیک شده آورده شده اند. برای به دست آوردن نمودار علت و معلولی باید مقادیر به دست آمده D+R و D-R را با فرمول زیر دیفازی کنیم:

$$BNP_{ij} = \frac{u_{ij} - I_{ij} + m_{ij}}{3} + I_{ij}$$

جدول شماره ۱۱: مقادیر D+R و D-R

C8	C7	C6	C5	C4	C3	C2	C1	
۳/۹۴۵۶۷۶	۳/۶۲۶۵۳۹	۱/۷۱۸۹۵۷	۱/۷۴۸۹۴۳	۱/۵۸۳۶۱۲	۱/۳۸۳۱۲۹	۱/۴۲۱۹۳۹	۱/۷۷۸۵۶۷	D+R
-۰/۰۳۹۹۷	-۰/۰۳۵۵۶	-۰/۰۲۹۵	-۰/۰۲۳۱	-۰/۰۱۸۱۴۴	-۰/۰۱۹۲۲۶	-۰/۰۱۵۷۴	-۰/۰۳۶۸۸	D-R

C15	C14	C13	C12	C11	C10	C9	
۱/۹۲۰۲۷۹	۱/۷۹۸۹۴	۱/۹۴۱۹۰۲	۳/۸۸۷۲۲۸	۱/۹۵۰۵۷۳	۱/۸۵۷۵۰۷	۲/۰۳۵۵۲۳	D+R
-۰/۰۱۰۹۱۳	-۰/۰۷۸۷۴۶	-۰/۰۱۶۳۰۹	-۰/۰۴۰۴۴۲	-۰/۰۳۱۲۳	-۰/۰۱۷۰۳۷	-۰/۰۶۵۲۱	D-R

C23	C22	C21	C20	C19	C18	C17	C16	
۱/۶۰۵۰۵۴	۱/۵۸۴۷۰۵	۱/۶۷۱۴۹۶	۱/۷۱۰۱۷	۱/۵۶۵۱۸۱	۱/۵۵۲۹۷۹	۲/۱۴۷۲۱۹	۱/۸۹۹۵۳۵	D+R
-۰/۰۳۵۶۴	-۰/۰۳۱۷	-۰/۰۱۳۰۳	-۰/۰۱۱۵۴۰۹	-۰/۰۲۶۴۵۴۵	-۰/۰۳۵۷۴۵۴	-۰/۰۲۷۹۷۸	-۰/۰۱۳۳۵۷	D-R

C31	C30	C29	C28	C27	C26	C25	C24	
۱/۴۱۵۱۵۱	۱/۷۹۹۸۱۶	۱/۶۷۸۹۰۴	۱/۸۷۳۹۳۴	۱/۴۶۸۳۷۹	۱/۴۷۸۲۴۶	۱/۷۱۲۱۷۶	۱/۶۱۰۱۴۲	D+R
-۰/۰۵۱۹۲۱	-۰/۰۱۶۰۰۲	-۰/۰۵۰۹۱۵۲	-۰/۰۳۷۳۷	-۰/۰۱۴۳۱۳۱	-۰/۰۳۱۹۰۱۸	-۰/۰۶۰۳۹۶	-۰/۰۲۲۷۲۴۳	D-R

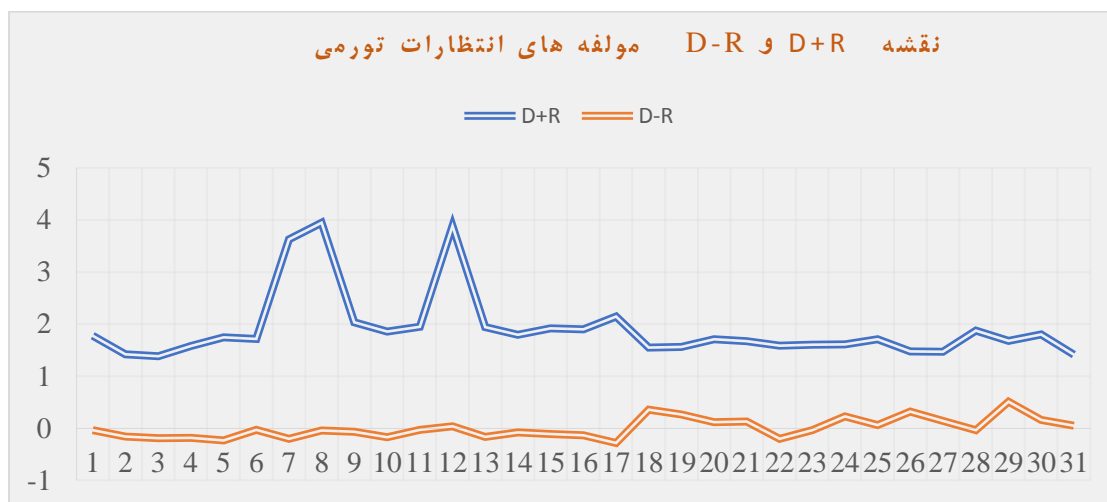
منبع: یافته‌های پژوهش

بردار افقی D+R میزان تاثیر هر عامل را نشان می‌دهد، هرچه D+R عاملی بیشتر باشد، آن عامل تعامل بیشتری با سایر عوامل دارد. در بردار عمودی D-R میزان تاثیرگذاری هر عامل را نشان می‌دهد. اگر D-R مثبت باشد، متغیر، یک متغیر علی (عامل) و اگر منفی باشد یک متغیر معلول محسوب می‌شود، به عبارتی اگر $D-R > 0$ باشد، معیار مربوطه اثرگذار است و اگر $D-R < 0$ باشد، اثرپذیر خواهد بود که در ادامه تاثیرگذارترین و تاثیرپذیرترین مولفه‌ها در جدول شماره ۱۲ از هم تفکیک شده‌اند.

جدول شماره ۱۲: تاثیرگذارترین و تاثیرپذیرترین مولفه‌های بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران

تاثیرپذیرترین مولفه‌ها	تاثیرگذارترین مولفه‌ها
نوسانات حجم نقدینگی	عدم اعتماد مردم به سیاست‌های اعلامی دولت،
عدم استقلال بانک مرکزی	عدم نگهداری سپرده‌های بانکی توسط مردم
تنش در روابط بین‌المللی	شکل‌گیری صف در دریافت وام از بانک‌ها
فضای چند قطبی سیاسی	تاخیر در عرضه و فروش محصولات از سوی بنگاه‌ها
وضع تحریم‌های اقتصادی	احتکار مواد اولیه
انتظارات تعارضی	وابستگی به درآمدهای نفتی
رانت‌های اطلاعاتی	رشد سریع و گاه کاذب شاخص‌های بازار سرمایه،
بحران‌های منطقه‌ای	فشار برای افزایش حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار
کاهش تمایل به پس انداز ریالی	تاثیرپذیری اقشار مختلف جامعه از رسانه و اخبار
تصمیمات شتابزده دولتی در خصوص نرخ ارز	همبستگی بین بازارهای متعدد
تغییر در سبک و رفتار مصرفی عمومی	بروز شوک‌های اجتماعی و سیاسی
رفتارهای تکانشی از سوی عوامل اقتصادی	افزایش دسترسی عمومی به شبکه‌های اجتماعی
رفتارهای تکانشی از سوی مردم	-
ساختارهای نهادی ضعیف	-
عدم انضباط مالی دستگاه‌های دولتی	-
تضعیف سرمایه اجتماعی	-
عدم شفافیت مالی دولت	-
عدم مشارکت عمومی در سیاست‌های دولتی	-
تجربه تورم‌های گذشته	-

در نمودار شماره ۲ ماتریس اثرپذیری و اثرگذاری عوامل ارائه شده است:



نمودار شماره ۲: ماتریس اثرپذیری و اثرگذاری مولفه های انتظارات تورمی در ایران (منبع: یافته های پژوهش)

بحث و نتیجه گیری

در یک جمع بندی باید خاطر نشان کرد که شناسایی تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران نیازمند یک رویکرد چند بعدی است که تمامی جنبه های اقتصادی، روانشناختی و اجتماعی را در بر می گیرد. پس در خصوص اهمیت انتظارات تورمی، ضرورت محاسبه آن در اقتصاد ایران بی فایده نخواهد بود زیرا نتایج اقتصادی، حاصل تصمیم گیری های جمعی مردم هستند و این تصمیمات به آنچه که مردم در آینده انتظار دارند نیز بستگی دارد. هدف اصلی از انجام این پژوهش، شناسایی تأثیرگذارترین و تأثیرپذیرترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی در ایران با رویکرد دیمتل فازی و تعیین روابط علت و معلولی بین آنها بود که با توجه به هدف و اهمیت موضوع، پژوهش حاضر سعی کرده است که عوامل مرتبط را شناسایی کرده و آنها را استخراج کند. با استفاده از نظرات و دانش خبرگان ۳۱ مولفه برای این امر در نظر گرفته شد و با استفاده از روش دیمتل فازی طراحی گردید و نتایج حاصل شده از آن نشان داد که عواملی همچون: عدم اعتماد مردم به سیاست های اعلامی دولت، عدم نگهداری سپرده های بانکی توسط مردم، شکل گیری صف در دریافت وام از بانک ها، تاخیر در عرضه و فروش محصولات از سوی بنگاه ها، احتکار مواد اولیه، وابستگی به درآمدهای نفتی، رشد سریع و گاهاً کاذب شاخص های بازار سرمایه، فشار برای افزایش حداقل دستمزد از سوی شورای عالی کار، تأثیرپذیری اقشار مختلف جامعه از رسانه و اخبار، همبستگی بین بازارهای متعدد، بروز شوک های اجتماعی و سیاسی و افزایش دسترسی عمومی به شبکه های اجتماعی از تأثیرگذارترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی می باشند. نتایج برآمده حاکی از آن است که در شکل گیری انتظارات تورمی فقط عوامل شناخته شده قبلی موثر نیستند و برای بررسی هرچه بهتر آن می بایست بر موارد جدیدی که در پیرامون زندگی اجتماعی افراد امروز قرار دارد مطالعات جدی را انجام داد. می دانیم آنچه تورم را به مثابه یک موضوع حل ناشدنی مطرح می کند نه فقط عوامل بروز تورم بلکه انتظارات عوامل اقتصادی از تورم آتی و سیاست های اقتصادی اتخاذ شده و عوامل اجتماعی جدی و موثری است که حول این موضوع اهمیت پیدا می کند. اگرچه این عوامل نمی تواند تمامی تغییراتی که منجر به بروز و تشدید انتظارات تورمی می شود را پوشش دهد اما به خوبی می تواند آن مولفه های موثر را جهت شناسایی دقیق علت این موضوع پررنگ جلوه دهد. به عنوان مثال در خصوص وابستگی به درآمدهای نفتی بایستی خاطر نشان کرد که چون از تورم به عنوان یک پدیده پولی یاد می کنند در کشورهای نفت خیز اگر درآمدهای نفتی حاصل شده از طریق سرمایه گذاری و واردات کالاها به خوبی مدیریت نشود منجر به رشد نقدینگی و در نهایت تورم خواهد شد (ابراهیمی، ۱۴۰۲). لذا زمانی که بتوانیم درآمدهای نفتی را مدیریت کنیم و یا وابستگی خود را به درآمدهای نفتی کاهش دهیم می توانیم تورم و در نهایت انتظارات

برآمده از آن را کنترل کنیم. در مورد فشار برای افزایش حداقل دستمزد، در حالی که تورم به صورت توامان در اقتصاد کشور وجود دارد، خود نیز فشار مضاعفی را به اقتصاد وارد می‌کند. در حالی که افزایش حداقل دستمزد ممکن است به بهبود وضعیت معیشتی کارگران کمک کند اما در عین حال هم می‌تواند به افزایش قیمت‌ها و افزایش انتظارات از تورم آتی نیز منجر شود که همزمان با افزایش تورم و انتظارات آتی افراد از نرخ واقعی قیمت‌ها، تورم خود باعث کاهش میزان ارزش واقعی دستمزدها می‌شود که این بدین معنی است که در یک چرخه باطل کارگران افزایش تورم، کاهش ارزش دستمزد و هم کاهش قدرت خرید را به طور همزمان تجربه خواهند کرد. همچنین باید گفت افزایش همزمان حداقل دستمزد و به تبع آن تورم باعث افزایش هزینه‌های تولید و در نهایت تضعیف قدرت رقابت مشاغل شده که این موضوع فقط با اتخاذ سیاست‌هایی که منجر به کنترل تورم و بهبود وضعیت کارگران می‌شود مرتفع خواهد شد. ضمن اینکه بی‌اعتمادی مردم به سیاست‌های اعلامی از سوی دولت خود یک موضوع مهم و اثرگذار در این بحث است. باید یادآوری کرد که این عدم اعتماد، به عنوان یک معضل جدی به ویژه در زمینه‌های مالی و بانکی می‌تواند بر اقتصاد تأثیرات زیادی داشته باشد. این بی‌اعتمادی به دلایل مختلفی از جمله عدم تطبیق سیاست‌های اتخاذ شده با انتظارات عمومی، عدم شفافیت در عملکرد دولت یا تجربه‌های منفی پیشین حادث می‌شود که این وضعیت نه تنها در شکل‌گیری تورم بلکه در انتظارات تورمی بعد از آن هم حضور پیدا خواهد کرد. این بی‌اعتمادی به شکلی موثر در مولفه اثرگذار بعدی این پژوهش یعنی عدم نگهداری سپرده‌های بانکی توسط مردم هم ظهور می‌کند چرا که هر زمان مردم به سیاست‌های اقتصادی دولت اعتماد نداشته باشند ترغیب به نگهداری و سرمایه‌گذاری در بانک‌ها نخواهند شد و ترجیح می‌دهند که سرمایه‌های خود را به صورت نقدی یا به شکلی دیگر نگهداری کنند که این امر منجر به بی‌ثباتی بازار شده و یکی از انگیزه‌های سفته‌بازی و برهم زدن نظم اقتصاد و نااطمینانی را ایجاد خواهد کرد که در کنار آن پیش‌بینی مردم از افزایش قیمت‌ها در آینده و تشدید انتظارات تورمی آنها عامل بقای این چرخه معیوب شده و تأثیراتی منفی از خود بر اقتصاد کلان برجای خواهد گذاشت لذا دولت می‌تواند با شفافیت در سیاست‌های اقتصادی، تقویت بانک مرکزی، کنترل نقدینگی، توسعه فرهنگ مالی و اقتصادی، سیاست‌های حمایتی هدفمند، برنامه‌های گسترده تحقیقی و تهجد به اصلاحات ساختاری اعتماد مردم را نسبت به برنامه‌ها و سیاست‌های خود جلب کند. در خصوص تأخیر در عرضه و فروش محصولات از سوی بنگاه‌ها و احتکار مواد اولیه باید گفت که این دو عامل خود معلول شرایط انتظارات تورمی و وضعیت اقتصادی هستند. تأخیر در عرضه و فروش محصولات می‌تواند ناشی از مشکلاتی مانند: کمبود منابع، تحریم، بحران‌ها یا سیاست‌های دولتی باشد و احتکار مواد اولیه هم خود به علت نااطمینانی از تأمین مواد در آینده و انتظارات تورمی به وجود می‌آید که این امر وضعیت تشدید و نه بروز انتظارات را شکل خواهد داد. هر دو عامل به صورت پیوسته باعث کاهش یا کمبود کالا در بازار و در نهایت افزایش قیمت‌ها می‌شوند که اگر در این اثنا مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان ضمن این وضعیت انتظار افزایش قیمت‌ها را هم داشته باشند برای جلوگیری از آسیب‌های ناشی از تورم به خرید و ذخیره کالاها و خدمات روی آورده و باعث رشد سریع قیمت‌ها و شدت تقاضا در بازار خواهند شد. در نتیجه ترکیب این سه عامل احتکار، تأخیر در عرضه محصولات و انتظارات تورمی در شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی و اجتماعی بی‌تأثیر نخواهد بود که می‌توان با جذب و حمایت از سرمایه‌گذار داخلی، تشویق به رقابت سالم، استفاده از تبلیغات صحیح و آگاهی‌رسانی موثر، بهبود زیرساخت‌های توزیع، ایجاد پایگاه‌ها و سامانه‌های اطلاعاتی ملی و اعمال قانون‌گذاری موثر از بروز این معضلات جلوگیری به عمل آورد و ساختار عرضه و تقاضا را در سطح کلی اقتصاد به درستی مدیریت کرد. در کنار این عوامل بروز شوک‌های اجتماعی و سیاسی تأثیرات مستقیمی بر انتظارات تورمی عوامل اقتصادی خواهد داشت زیرا این شوک‌ها معمولاً با بحران‌هایی مانند ناآرامی‌های اجتماعی و بحران‌های اقتصادی مرتبط هستند. تأثیر این شوک‌ها از مجراهای مختلفی چون نااطمینانی اقتصادی و عدم قطعیت در وضعیت اقتصاد، تغییرات در سیاست‌های مالی و پولی، تغییرات در عرضه و تقاضا و تأثیر بر ارزش پول ملی منجر به شکل‌گیری و تشدید تورم و انتظارات تورمی برآمده از آن خواهد شد. در شرایط بحران‌های ناشی از یک شوک تولیدکنندگان مجبور به کاهش تولید و مصرف‌کنندگان اقدام به خرید کالاها و اقلام ضروری خود می‌کنند که در کنار کاهش ارزش پول ملی و افزایش هزینه‌های واردات که خود

باعث افزایش بهای تمام شده کالاها و خدمات می‌شود تغییر در رفتار مصرف‌کنندگان به دلیل نگرانی از آینده اقتصادی انتظارات تورمی را بیشتر از گذشته گسترده‌تر کرده و تأثیرات آن نه تنها در کوتاه مدت که در بلندمدت بر رفتار اقتصادی و انتظارات آنان تأثیری جدی خواهد داشت چرا که افراد به تدریج نسبت به پایداری اقتصادی دچار بدبینی شده و به طور مستمر انتظارات تورمی خود را بالا نگه می‌دارند که می‌توان جهت مقابله با عوامل اجتماعی و سیاسی موثر بر انتظارات تورمی راهکارهایی مانند تقویت نهادهای اجتماعی، ایجاد فضا برای مشارکت عمومی، آموزش و فرهنگ‌سازی در خصوص مسائل اقتصادی، تقویت استقلال بانک مرکزی، ایجاد پل‌های ارتباطی موثر با بخش خصوصی جهت ایجاد یک نظام اقتصادی پایدار را برگزید. در این میان نباید از این نکته غافل بود که تأثیرات شوک‌های اجتماعی و سیاسی برای گروه‌های مختلف در جامعه متفاوت خواهد بود. به عنوان مثال خانواده‌های کم درآمد بیشتر تحت تأثیر افزایش قیمت‌ها قرار می‌گیرند و در نتیجه انتظارات شدیدتری از افزایش تورم را خواهند داشت. این در حالی است که خانواده‌های ثروتمند از ابزارهای مالی برای مدیریت دارایی و حفظ سرمایه خود استفاده می‌کنند که این ناهمگن بودن در اقشار مختلف جامعه خود در بروز و تشدید انتظارات و تضعیف ثبات اقتصادی بی‌تأثیر نخواهد بود که در حین انتخاب یک راهکار مناسب توجه ویژه به گروه‌های آسیب‌پذیر و اقشار کم درآمد می‌تواند از معضلات اجتماعی ناشی از ساختار یک اقتصاد بکاهد و در تقویت بنیه اجتماعی موثر واقع شود. افزایش دسترسی عمومی به شبکه‌های اجتماعی در کنار فوایدی از جمله ارتباطات وسیع‌تر، افزایش آگاهی و ایجاد طیفی از کسب و کارها در بستر فضای مجازی می‌تواند مضراتی را هم در پی داشته باشد. دسترسی بیشتر به اطلاعات و نظرات دیگران، الگوهای مصرف و ترجیحات مصرف‌کنندگان را تغییر داده و بر رفتار اقتصادی افراد و انتظارات آنها از تغییرات قیمت اثرگذار خواهد بود. با این افزایش دسترسی افراد زیادی خود را در زمره کارشناسان و تحلیل‌گران متخصص قرار داده و به تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌پردازند و با این امکان تحلیل‌های خود را با سرعت و گستردگی بیشتری به اشتراک می‌گذارند که این امر به نوبه خود امکان دقیق و درست پیش‌بینی عوامل اقتصادی از جمله خانوارها را از وضعیت اقتصادی به ویژه در زمینه تورم سلب کرده و قدرت تصمیم‌گیری صحیح را از آنها می‌گیرد. در کنار این موضوع به علت هبستگی بازارهای متعدد به عنوان یک عامل اثرگذار در بروز و تشدید انتظارات تورمی، این افزایش دسترسی رشد سریع و گاه کاذب بازارهای سرمایه از جمله واکنش بازار سهام را به صورت خرید سهام‌های با ارزش آتی توسط افراد را در پی خواهد داشت و ادراکات و تصمیمات آنها حول این تورم شکل می‌گیرد. در وجهی دیگر از این اثرگذاری باید به نقش رسانه‌ها و اخبار در شکل‌دهی به اطلاعات عمومی نیز توجه کرد زیرا این رسانه‌ها و اخبار می‌توانند با تحلیل‌های مالی و گزارشات خود درباره تورم و آینده اقتصادی جامعه انتظارات افراد را به شکلی منفی یا مثبت تحت تأثیر قرار دهند. بازخورد این نوع از اطلاع‌رسانی در رفتار و تعاملات افراد با اقتصاد نمود پیدا می‌کند. در این باره رسانه‌ها، اخبار و افزایش میزان دسترسی عمومی به شبکه‌های اجتماعی چالش‌های جدی را برای یک وضعیت اقتصادی به ویژه تصمیم‌گیرندگان سیاست‌های اقتصادی ایجاد می‌کند. در واقع این پیوستگی و ارتباط متقابل، نقش ارتباطات دیجیتال را در پویایی و یا عدم پویایی یک اقتصاد برجسته خواهد کرد در نتیجه با ترویج شفافیت و ارزیابی دقیق اطلاعات، تقویت سواد رسانه‌ای آحاد اقتصادی، ایجاد همکاری نهادهای اقتصادی با رسانه‌های معتبر، پاسخ‌گویی سریع و دقیق به شایعات توسط سیاست‌گذاران اقتصادی، گزارش‌دهی تحلیلی و توسعه فضای نقد سالم در حوزه‌های اقتصادی می‌تواند به ترویج اطلاعات درست و آرامش در فضای اقتصادی جامعه کمک شایانی کرد. در کنار عوامل مذکور، از عدم شفافیت مالی دولت، تصمیمات شتابزده دولتی در خصوص نرخ ارز و ... که به آنها اشاره شد به عنوان تأثیرپذیرترین عوامل بروز و تشدید انتظارات تورمی یاد می‌شود. در واقع یکی از هدف‌گذاری‌های مشخص در زمینه کاهش تورم و کنترل انتظارات تورمی برخاسته از آن میزان شفافیت و صراحت دولت به ویژه بانک مرکزی در خصوص سیاست‌های پولی اتخاذ شده می‌باشد باید یادآوری کرد که تصمیمات بانک مرکزی و میزان شفافیت مالی دولت اطلاعات و پیش‌بینی‌های آتی در زمینه تورم را فراهم می‌کند زیرا این سیاست پولی مورد وثوق آحاد اقتصادی مدیریت انتظارات و تصمیمات آنها را برای قیمت‌گذاری در زمان حال و میزان تورم در آینده تحت تأثیر قرار می‌دهد زیرا همان طور که اشاره شد نگاه آحاد اقتصادی به تورم و انتظارات آنها یک بیش نیاز اساسی برای ثبات تورم می‌باشد (ابوالحسنی و همکاران، ۱۳۹۸). انتظارات افراد درباره مقادیر آینده و نحوه تصمیم‌گیری آنها در دنیای واقعی برای مثال

درباره انتظارات نرخ ارز یکی از متغیرهای مهم اثرپذیر از شرایط بخش حقیقی و پولی اقتصاد در دوره‌های تورمی خواهد بود. عدم در نظر گرفتن عوامل صحیح درباره شکل‌گیری انتظارات نرخ ارز تبعات و پیامدهای غیرقابل جبرانی را در حوزه سیاست-گذاری‌ها و تنظیم بودجه خواهد داشت. از آنجا که از عوامل تحت تاثیر از انتظارات می‌توان به رانت‌های اطلاعاتی هم اشاره کرد باید گفت که مسائل اقتصادی با اصطحکاک‌های زیادی همراه بوده و چون در دنیای واقعی افراد قادر به کسب تمامی اطلاعات لازم، پردازش و درک تمامی ابعاد یک موضوع نیستند در نتیجه انتظارات آنان بر اساس طیفی از متغیرها شکل گرفته که در این زمینه تغییرات نرخ ارز از این قاعده مستثنی نیست زیرا هر زمان افراد تحت تاثیر شرایط تورمی انتظارات خود را از تغییرات نرخ ارز در آینده و بر اساس رفتارهای هیجانی و فعالیت‌های سفته‌بازی تطبیق دادند، نوسانات شدید نرخ ارز و بی‌ثباتی در بازارهای وابسته به آن و نااطمینانی در اقتصاد را پدید آورده‌اند (شهلائی و همکاران، ۱۴۰۱). در واقع بروز این قبیل مشکلات را می‌توان با انتشار منظم داده‌های اقتصادی، محدود کردن دسترسی انحصاری، ایجاد نهادهای نظارتی، دستورالعمل‌های مدون و کارآمد، برگزاری نشست‌های مشترک بین فعالان اقتصادی و دولت و ... مرتفع نمود. در نتیجه طبق پژوهش مذکور و عوامل عنوان شده می‌توان به این نتیجه رسید که چطور در بین عوامل و مولفه‌های تاثیرگذار بر انتظارات تورمی و تاثیرپذیر از آن ارتباطی تنگاتنگ و پیچیده وجود دارد به طوری که اگر یک عامل را در نظر نگیریم یا آنها را در تحلیل‌های خود حذف کنیم می‌توانیم شاهد تشدید و افزایش ارتباط نادرست همه عوامل مرتبط اقتصادی با هم باشیم به طوری که این وضعیت به مثابه یک چرخه معیوب، پی در پی نقص و ویرانی به بار می‌آورد که نتیجه آن هم در وضعیت و شرایط آحاد اقتصادی یک جامعه بازتاب خواهد داشت.

سپاسگزاری

از اساتید راهنما و مشاور گرانقدر خود آقایان دکتر علی حسونند و دکتر محسن عارف نژاد جهت راهنمایی‌های دلسوزانه، دانش عمیق و بردباری آنها در پاسخ‌گویی به پرسش‌هایم و ارائه رهنمودهای ارزشمندشان صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم.

منابع

- ابراهیمی، س. (۱۴۰۲)، اثر واردات بر رابطه رشد نقدینگی و تورم آن در کشورهای نفتی، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۳۱، شماره ۱۰۳، ص ۳۰۱-۲۷۷.
- ابوالحسنی، ا.، شایگانی، ب.، موسوی جهرمی، ی.، زندیان، ز. (۱۳۹۸)، هدف‌گذاری تورم سیاستگذار پولی با لحاظ انتظارات تورمی ناهمگن در رفتار کارگزاران اقتصادی، *مطالعات و سیاست‌های اقتصادی*، دوره ۶، شماره ۱، ص ۳۳۰-۳۰۱.
- آرمن، س.ع.، قربان‌نژاد، م.، کیفیلی، و. (۱۳۹۶)، نگاهی دوباره به تورم در ایران: رویکرد VARX، *فصلنامه مطالعات اقتصادی کاربردی ایران*، دوره ۶، شماره ۲۲، ص ۹۹-۱۲۱، doi: 10.22084/aes.2017.1882.
- آریان‌فر، ف. (۱۴۰۳)، بررسی نقش رسانه بر شکل‌گیری انتظارات تورمی، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادسنجی*، دوره پنجم، شماره اول (پیاپی ۱۶)، ص ۳۶-۱۱.
- پرویزیان، ف.، عرفانی، ع. ر.، ابونوری، ا. (۱۳۹۸)، نقش رسانه در شکل‌گیری انتظارات اقتصادی پویا و مدیریت سبب‌داری‌ها، *مدلسازی اقتصادسنجی*، دوره ۵، شماره ۱، ص ۳۶-۱۱، doi: 10.22075/jem.2019.17910.1319.
- دروزیان، ح.، میرزایی، م.، علم‌الهدی، ن.، صبور، ع.، باقری، س. (۱۳۹۵)، *بررسی و ارزیابی شاخص‌ها و حوزه‌های کلان اقتصاد ایران (با تاکید بر سیاست‌ها و راهبردهای کلان کشور)*، تهران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- دلیری، ح. (۱۴۰۲)، اثرات تورم و نااطمینانی تورم بر شادکامی. *همایش ملی مسئله تورم در ایران، ریشه‌ها، آثار و سیاست‌ها*، تهران، پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳ بهمن ۱۴۰۲.
- رضازاده، ع. (۱۳۹۸)، رابطه تورم، نااطمینانی تورم و رشد اقتصادی در ایران: رویکرد غیرخطی مارکوف- سوئیچینگ، *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، دوره ۶، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، ص ۳۷-۶۶، doi: 10.30465/ce.2020.5425.

- رودری، س.، عربی، س. ه.، رحیمی کاه کشی، س. (۱۴۰۲)، سرریز تلاطمات بین نرخ ارز، تورم و نقدینگی در اقتصاد ایران: رویکرد TVP-VAR-BK، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۲۸، شماره ۹۷، ص ۱۹۰-۱۵۲، doi: 10.22054/ijer.2024.74542.1200.
- زارع، اک.، جعفری، د.، کاظمی پور، ح. (۱۳۹۵)، تعیین عوامل موثر در ارزیابی اثربخشی دوره‌های آموزشی کارکنان به وسیله‌ی روش دیمتل فازی، *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*، برلین - آلمان، ۱۹ تیرماه ۱۳۹۵.
- سبحانی، ح.، ابوحوزه، د.، زمانی، ر. (۱۳۹۸)، تحلیل پایداری تورم از منظر اقتصاد سیاسی ایران، *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، دوره ۱۶، شماره ۳۱، ص ۴۱-۶۹، doi: 10.30471/iee.2019.1586.
- شاکری، ع. (۱۳۹۵)، *اقتصاد کلان، نظریه‌ها و سیاست‌ها*، تهران، انتشارات رافع.
- شهلائی، م.، پیرام، م.، حاجی ملا درویش، ن. (۱۴۰۱)، نحوه شکل‌گیری انتظارات نرخ ارز؛ مطالعه آزمایشگاهی، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۲۷، شماره ۹۰، ص ۱۰۳-۶۳، doi: 10.22054/ijer.2021.61148.983.
- علیزاده، س.، مومنی، ف. (۱۴۰۲)، بررسی علل تداوم سیاست‌های تورم‌زا در ایران از منظر سطح تحلیلی توسعه، *پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)*، دوره ۲۳، شماره ۳، ص ۱۸۷-۱۵۹.
- عیسی‌زاده، س.، مروت، ح.، شریفی، ا. (۱۳۹۵)، شبیه‌سازی انتظارات تورمی ناهمگن در ایران، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، دوره ۱۰، شماره ۴ (پیاپی ۳۶)، ص ۱۰۱-۱۲۳.
- فتاحی، ش.؛ سهیلی، ک.، بهمن، م. (۱۳۹۹)، بررسی شکل‌گیری انتظارات تورمی: رویکرد آزمایشگاهی مطالعه موردی: فعالان بازار سرمایه استان کرمانشاه، *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، سال ۱۳، شماره ۴۵، ص ۱۶۳-۱۴۷.
- کاوایی، ز.، فرج‌نیا، س. (۱۴۰۲)، *برآورد انتظارات تورمی، مروری بر اهمیت برآورد انتظارات تورمی و روش‌های اندازه‌گیری آن در ایران*، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کاوایی، ز.، مومنی، ع.، عزیزی راد، م. (۱۳۹۵)، *مجلس، بودجه، تورم*، تهران، دفتر مطالعات اقتصادی، تهران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- لعل خضری، ح.؛ آشنا، م. (۱۴۰۲)، بررسی رابطه پویای عدم اطمینان سیاست اقتصادی جهانی با تورم و ناطمینانی تورم در ایران، *اقتصاد و تجارت نوین*، دوره ۱۸، شماره ۵۸، ص ۱۷۱-۱۴۹، doi: 10.30465/jnet.2023.43351.1963.
- مداح، م.؛ مهرپور، م. (۱۴۰۰)، تحلیل تجربی عوامل مؤثر بر کسری بودجه در ایران با استفاده از روش دیمتل فازی، *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، دوره ۸، شماره ۱ (پیاپی ۱۵)، ص ۳۳۹-۲۹۹، doi: 10.30465/ce.2021.6979.
- موسوی، س. ل.، ساعی، ا.، طاهری، ا. (۱۳۹۸)، تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر سرمایه اجتماعی در ایران، *مجله علمی مدیریت سرمایه اجتماعی*، دوره ۶، شماره ۴، ص ۵۱۹-۴۹۷، doi: 10.22059/jscm.2019.285868.1880.
- نجفی، ب. (۱۳۹۶)، ضرورت محاسبه تورم انتظاری در ایران، *نشریه کارآفرین*، دوره ۱، ش ۲۳ (پیاپی ۱۲۹)، ص ۳.
- نوراحمدی، م. ج.؛ خادم‌علیزاده، ا.؛ شیرمهنجی، م. ب. (۱۴۰۱)، فراتحلیل تأثیر استقلال بانک مرکزی بر تورم، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، دوره ۲۷، شماره ۹۲، ص ۱۵۲-۱۱۳، doi: 10.22054/ijer.2021.56719.918.
- هرورانی، ح.، فراهانی‌فرد، س.، شریفی، ا. (۱۳۹۹)، تأثیر انتظارات تورمی برون‌یابانه بر تورم در اقتصاد ایران: رهیافت رگرسیون کوانتایل، *بررسی مسائل اقتصاد ایران*، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۱۴)، ص ۳۶۴-۳۴۳، doi: 10.30465/ce.2020.5978.




References

- Aboulhasani, A., Shaygan, B., Mousavi Jahromi, Y., & zandian, Z. (2019). Policy maker's inflation targeting with heterogeneous inflation expectations in economics agents. *The Journal of Economic Studies and Policies*, 6(1), 301-330. [In Persian].
- Alizadeh, S., & Momeni, F. (2023). Investigating the Reasons for the Continuation of Inflationary Policies in Iran from the Perspective of the Analytical Level of Development. *Quarterly Journal of The Economic Research (Sustainable Growth and Development)*, 23(3), 159-187. [In Persian].
- Arianfar, F. (2014). Studying the role of the media on the formation of inflation expectations. Money and Currency Institute. *Quarterly Journal of Econometric Modeling*, 5(1), 11-36. [In Persian].
- Arman, S.A., Ghorbannezhad, M., & Kafili, V. (2017). Take a look at inflation in Iran: Varx approach. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 6(22), 99-121. doi: 10.22084/aes.2017.1882. [In Persian].
- Breman, A. (2024). *The Psychology of Inflation*. Danske Bank, Stockholm.

- Coibion, O., Gorodnichenko, Y., & Ropele, T. (2019). *Inflation Expectations and Firm Decisions*. <http://www.nber.org/papers/w25412>
- Coibion, O., Gorodnichenko, Y., & Weber, M. (2021). *Monetary Policy Communications and Their Effects On Household Inflation Expectations*. <http://www.nber.org/papers/w25482>.
- Daliri, H. (2023). The Effects of Inflation and Inflation Uncertainty on Happiness. Abstracts of the National Conference on the Problem of Inflation in Iran, Roots, Effects and Policies. *Economic Research Institute, Institute for Humanities and Cultural Studies*, 3 February 2023. [In Persian].
- Daroudian, H., Mirzaei, M., Alamhada, N., Sabouri, A., & Bagheri, S. (2016). *Survey and evaluation of indicators and macro-economic areas of Iran (with emphasis on the country's macro-policies and strategies)*. Tehran, Tehran City Studies and Planning Center. [In Persian].
- Ebrahimi, S. (2023). The Relationship between Liquidity Growth and Inflation: Role of Import in Oil Exporting Countries. *Qjerp*, 31 (105), 277-301. [In Persian].
- Fattahi, S., Soheili, K., & Bahman, M. (2019). Investigating the Formation of Inflationary Expectations: A Laboratory Approach, Case Study: Capital Market Activists in Kermanshah Province. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 13(45), 147-163. [In Persian].
- Fernando, J. (2025). *Inflation: What It Is And How To Control Inflation Rates*.
- Haroorani, H., Farahanifard, S., & Sharifi, O. (2020). The Impact of Extraordinary Inflation Expectations on Inflation in the Iranian Economy: A Quantile Regression Approach. *Journal of Iranian Economic Issues*, 7(2), 343-364. doi: 10.30465/ce.2020.5978. [In Persian].
- Issazadeh, S., Marwat, H., Sharifi, O. (2016). Simulating Heterogeneous Inflation Expectations in Iran. *Quarterly Journal of Economic Modeling*, 10(4), 123-101. [In Persian].
- Kaviani, Z., Farajnia, S. (2013). *Estimating Inflation Expectations, A Review of the Importance of Estimating Inflation Expectations and Its Measurement Methods in Iran*. Tehran, Economic Studies Office, Research Center of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian].
- Kaviani, Z., Momani, A., & Azizi Rad, M. (2016). *Parliament, Budget, Inflation*. Tehran, Economic Studies Office, Research Center of the Islamic Consultative Assembly. [In Persian].
- Laal Khezri, H., & Ashena, M. (2023). Investigating the Dynamic Relationship of Global Economic Policy Uncertainty with Inflation and Inflation Uncertainty in Iran. *New Economy and Trad*, 18(58), 149-171. doi: 10.30465/jnet.2023.43351.1963. [In Persian].
- Madah, M., & mehrparvar, M. (2021). The Empirical Analysis of Effective Factors on Budget Deficit in Iran Using Fuzzy DEMATEL Method. *Journal of Iranian Economic Issues*, 8(1), 299-339. doi: 10.30465/ce.2021.6979. [In Persian].
- Moosavi, S.L., Saie, A., & Tahery, A. (2019). The Effect of Macroeconomic Variables on Social Capital in Iran. *Social Capital Management*, 6(4), 497-519. doi: 10.22059/jscm.2019.285868.1880. [In Persian].
- Najafi, B. (2017). The necessity of calculating expected inflation in Iran. *Shariekh Karafarin*, 23(129), 3. [In Persian].
- Nourahmadi, M.J., Khademalizadeh, A., & Shirmehenji, M.B. (2022). Meta-Analysis of the Effect of Central Bank Independence on Inflation. *Iranian Journal of Economic Research*, 27(92), 113-152. doi: 10.22054/ijer.2021.56719.918. [In Persian].
- Parvizian, F., Erfani, A., & Abounoori, E. (2020). The Role of the Media in Shaping Dynamic Economic Expectations and asset markets. *Journal of Econometric Modelling*, 5(1), 11-36. doi: 10.22075/jem.2019.17910.1319. [In Persian].
- Reiche, L., Meyler, A. (2022). Making Sense Of Consumer Inflation Expectations: The Role Of Uncertainty. *Working Paper Series*, No 2642 / February 2022, doi:10.2866/667431.
- Rezazadeh, A. (2020). Relationship between inflation, inflation uncertainty and economic growth in Iran: Markov-switching approach. *Journal of Iranian Economic Issues*, 6(2), 37-66. doi: 10.30465/ce.2020.5425. [In Persian].
- Rudari, S., Arabi, S.H., & Rahimi Kahkashi, S. (2023). Volatility Spillover among Exchange Rate, Inflation and Liquidity in Iran's Economy: A TVP-VAR-BK Approach. *Iranian Journal of Economic Research*, 28(97), 152-190. doi: 10.22054/ijer.2024.74542.1200. [In Persian].
- Shahlaee, M., Pedram, M., & Hajimoladarvish, N. (2022). Expectation Formation of Exchange Rate: Experimental Evidence. *Iranian Journal of Economic Research*, 27(90), 63-103. doi: 10.22054/ijer.2021.61148.983. [In Persian].
- Shakeri, A. (2016). *Macroeconomics, Theories and Policies*. Tehran, Rafe Publications. [In Persian].
- Si, S.L., You, X.Y., Liu, H.C., & Zhang, P. (2018). DEMATEL Technique: A Systematic Review of the State-of-the-Art Literature on Methodologies and Applications. *Mathematical Problems in Engineering*, 1: 1-33, doi:10.1155/2018/3696457.

- Sobhani, H., Aboohamzeh, D., & Zamani, R. (2019). Analyzing the Stability of Inflation from the Perspective of Iranian Political Economy. *Journal of Economic Essays: an Islamic Approach*, 16(31), 41-69. doi: 10.30471/iee.2019.1586. [In Persian]
- Weber, M., DAcunto, F., & Malmendier, U. (2022). *What Do The Data Tell Us About Inflation Expectations?*. Working Paper 29825, <http://www.nber.org/papers/w29825>.
- Wiederholt, M., & Vellkoop, N. (2019). *Inflation Expectations and Choices of Households*. European Central Bank, <https://sceincepo.hal/hal-03878694>
- Wu, W.W., & Lee, Y.T. (2007). Developing Global Managers, Competencies Using The Fuzzy DEMATEL Method. *Expert Systems with Applications*, 32(2), 499-507. <https://doi.org/10.1016/j.eswa.2005.12.005>.
- Zare, A.K., Jafari, D., & Kazemipour, H. (2016). Determining the effective factors in evaluating the effectiveness of employee training courses using the fuzzy DEMATEL method. *Third International Conference, Research in Science and Technology*, Berlin - Germany, 9 July 2023. [In Persian]

(Identification Of The Most Influential And Influenced Factors Of Inflation Expectations Emergence And Intensification In Iran Using The Fuzzy Dematel Approach)

Ali Hasanvand^{1*}  | Niloufar AliHosseini Fard²  | Mohsen Aref Nezhad³ 

1. Corresponding Author*, Department of Economics, Faculty Of Management and Economics, University of Lorestan, Khorramabad, Iran. Email: hasanvand.al@lu.ac.ir

2. Department of Economics, Faculty Of Management and Economics, University of Lorestan, Khorramabad, Iran. Email: niloo.alihosseini@yahoo.com

3. Department Of business Administration, Faculty Of Management and Economics, University of Lorestan, Khorramabad, Iran. Email: arefnezhad.m@lu.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:

Research Paper

Article History:

Received: 10 July 2025

Accepted: 07 December 2025

Published: 7 Jul 2026

Keywords:

Inflation, Inflationary expectations, Demetal.

ABSTRACT

Introduction: The aim of this research is to identify the main influential and impactable factors in the formation and intensification of inflation expectations in Iran.

Methodology: This study is classified as an applied research in terms of its purpose, descriptive-survey in terms of its nature and method, and a mixed quantitative-qualitative study in terms of its approach. The statistical population consists of 17 experts, executive managers, and university faculty members who were selected purposefully. In the qualitative part, data were collected through face-to-face interviews and validated using theoretical and content validity indices. In the quantitative part, the data collection tool was a developed questionnaire that was provided to the experts after identifying key components and coding in the form of a pairwise comparison matrix, and the effect of row variables on column variables was determined.

Results: The research findings show that factors such as public distrust in the announced policies of the government, the occurrence of social and political shocks, and the influence of different layers of society on the media and news are among the most important factors influencing the formation of inflationary expectations. Also, fluctuations in the volume of liquidity, lack of central bank independence, and tension in international relations are considered among the influential factors in this regard.

Conclusions: In a summary using the fuzzy DEMET method, it was shown that factors such as people's lack of trust in the announced policies of the government, people's failure to maintain bank deposits, the formation of queues to receive loans from banks, delays in the supply and sale of products by firms, pressure to increase the minimum wage by the Supreme Labor Council, the influence of different segments of society on the media and news, the correlation between multiple markets, the occurrence of social and political shocks, and increased public access to social networks are among the most influential factors in the emergence and intensification of inflationary expectations, and the lack of government financial transparency, hasty government decisions regarding the exchange rate, etc. are the most influential factors in the emergence and intensification of inflationary expectations.

Cite this article: Ali Hosseini Fard, N., Hassanvand, A., Arefnejad, M. (2026). Identifying the most influential and affected factors of the emergence and intensification of inflationary expectations in Iran using a fuzzy dematerialization approach. *Economic Sociology and Development*, 15 (1), 176-206



© The Author(s). Publisher: University of Tabriz Press.



[10.22034/jeds.2026.68078.1879](https://doi.org/10.22034/jeds.2026.68078.1879)